

حاکمیت و امنیت ملی در پرتو آزادی اطلاعات

مسعود مظاهری^۲

سهراب صلاحی^۱

مریم مرادی^۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷

چکیده

این مقاله در پی آن است تا حاکمیت و امنیت ملی در پرتو آزادی اطلاعات را مورد بررسی قرار دهد. آزادی اطلاعات یکی از قواعدی است که به عنوان حقوق بشر مورد قبول جوامع بین‌المللی و داخلی قرار گرفته و با توجه به اسناد بین‌المللی موجود، از پشتوانه حقوقی لازم برخوردار است. اصل حاکمیت دولت‌ها و مسئله امنیت ملی نیز از چنان اهمیتی برخوردار است که کشورها در دفاع از حقوق حاکمیتی خود از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. این مسئله منجر به بروز جدال بین اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات شده است. از این رو، اسناد حقوقی در حالی که بر آزادی جریان اطلاعات تأکید کرده‌اند، محدودیت‌هایی از جمله حمایت از امنیت ملی و نظم عمومی را بر آن وضع نموده‌اند تا بدین وسیله از حقوق حاکمیت، درکنار حقوق بشر حمایت کرده باشند. اما برخی کشورهای قدرتمند خود را چندان متعهد به اصول موجود در این زمینه نشان نداده و از طریق به‌کارگیری ابزارهای جنگ نرم و جاسوسی رسانه‌ای موجب نقض حاکمیت و امنیت داخلی دیگر کشورها شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیتی که حقوق بشر و آزادی‌های انسانی دارند، اما اگر هریک از این آزادی‌ها تهدیدی برای امنیت ملی کشورها به‌شمار آیند، باید کنترل و محدود شوند، زیرا در تقابل بین آزادی اطلاعات و حقوق حاکمیت، اولویت بر حفظ حقوق حاکمیت است. در نتیجه، باید تلاش شود با وضع قواعد بین‌المللی به نحوی بر آزادی اطلاعات نظارت شود تا به صورت لجام‌گسیخته تبدیل به فرصتی در دست قدرت‌های بزرگ برای تحقق اهداف ضدحاکمیتی علیه کشورهای دیگر نشود. چارچوب نظری تحقیق بر مبنای اسناد و قوانین حقوق بین‌الملل است. روش پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها "کتابخانه‌ای" و "اسنادی" است.

کلید واژه‌ها

آزادی اطلاعات؛ حاکمیت ملی؛ امنیت ملی؛ جنگ نرم؛ جاسوسی

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
sohrab.salahi@yahoo.com
۲. دانشجوی دکترا، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
mas_mazaheri@yahoo.com
۳. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
moradimaryam@yahoo.com

مقدمه

بشر از دیرباز به دنبال دستیابی راه‌های مختلف برای برقراری ارتباط با هموعان و محیط پیرامون خود بوده است و در این راه با به‌کارگیری ابزارهای گوناگون، فراز و نشیب‌های زیادی را طی نموده و با گذر زمان توانسته است با دستیابی به امکانات جدید و افزایش توانایی خود، راه‌های نوینی برای انتقال اطلاعات به‌دست آورد. روش‌ها و ابزارهای ارتباطی نیز از دوران باستان تاکنون مسیر تغییر و پیشرفت خود را با سرعت طی نموده‌اند. امروزه استفاده از فناوری‌های پیشرفته و رسانه‌های جدید همچون ماهواره، اینترنت و گوشی‌های تلفن هوشمند که می‌توان به آنها عنوان فرارسانه را اطلاق نمود، سرعت و کیفیت برقراری ارتباط را ارتقا بخشیده‌اند و به‌عنوان یک صنعت روبه‌رشد، به ابزاری قدرتمند برای کنترل، مدیریت و نوآوری در جامعه تبدیل شده‌اند.

با گسترش روابط بین کشورها در جامعه بین‌المللی، به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی افزایش قابل‌توجهی داشته و با پهنه‌گسترانی رسانه‌ها و کاربردشان در موضوعات مختلف امنیتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اثرگذاری آنها بر ابعاد مختلف یک حکومت افزایش یافته است. اثرگذاری ابزارهای رسانه‌ای گاهی در پرتو جریان آزادی اطلاعات با نقض حقوق حاکمیتی و امنیت ملی یک کشور همراه است. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن موجب به‌هم‌ریختگی نظم و امنیت یک کشور شود و یا جایگاه یک حکومت را میان دیگر حکومت‌ها مضمحل کند. در چنین وضعیتی از یک‌سو، حقوق بین‌الملل با چالش‌های جدیدی در راستای وضع قوانین و مقررات بین‌المللی برای مدیریت، کنترل و نظارت بر این وسایل مواجه می‌شود و از سوی دیگر، دولت‌ها با چالش‌ها و تهدیداتی علیه حاکمیت خود مواجه می‌شوند که به برهم‌خوردن نظم و امنیت ملی آن کشورها منجر می‌شوند.

این موضوع باعث شده است دولت‌ها به‌منظور جلوگیری از به‌خطرافتادن نظم عمومی و امنیت ملی خود، با ایجاد محدودیت‌هایی بر سر راه انتقال اطلاعات سعی در صیانت از حکومت خود نمایند و حتی برای حفظ حریم خصوصی افراد جامعه، آنها را از قرارگرفتن در معرض شرایطی که منجر به فاش‌شدن اطلاعاتشان می‌گردد، منع کنند. طی دهه‌های اخیر،

بررسی اسناد حقوقی در حوزه بین‌الملل نشان می‌دهد در کنار اهمیتی که به تأمین حقوق بشر و تعمیم آن به زندگی افراد جامعه بشری داده شده است، محدودیت‌های مهمی نیز به‌منظور حفظ نظم و امنیت داخلی کشورها وضع شده است.

بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش

در عصری که رسانه‌های جمعی نقش بسزایی در تعیین حدود و چگونگی ارتباطات و تعاملات کنش‌گران جوامع جهانی ایفا می‌نمایند، با گستره‌پراکنی خود، موجب شده‌اند نهادها و سازمان‌های حقوقی بین‌المللی درصدد آن برآیند تا در پرتو مؤلفه‌های حقوق بشری، با وضع قوانین و مقررات این عرصه را حمایت و تا حدودی مدیریت نمایند. آنچه که از بررسی تدابیر اندیشیده‌شده برای حمایت از حقوق بشر و آزادی انسان در دسترسی به اطلاعات اعم از اخذ، نگهداری و انتشار به‌دست می‌آید، این است که دولت‌ها به‌عنوان مخاطبین و کنش‌گران اصلی در عرصه بین‌المللی نسبت به رعایت این حق بشری تکلیف یافته‌اند. این الزام و تکلیف به رعایت حقوق بشر، محدودیت‌هایی برای دولت‌ها به‌همراه دارد و درمقابل نیز حقوقی برای دولت‌ها را به‌همراه دارد که نباید آنها را نادیده گرفت، اما آنچه که درتقابل بین این حق و تکلیف اهمیت می‌یابد این است که کدام دسته از این حقوق (حقوق بشر یا حقوق دولت‌ها) دارای اولویت است و عدم رعایت آنها باید با چه ضمانت اجرایی همراه باشد؟ به‌عبارتی، اگر در مقام قیاس برآیم و قواعد حقوقی ناظر بر حاکمیت کشورها و مصونیت آنها از هرگونه تجاوز و تعرض را با قواعد حقوق بشری ناظر بر آزادی دسترسی به اطلاعات مقایسه نماییم، باید برای کدام دسته از قوانین بین‌المللی اهمیت بیشتری قائل شد و به کدام‌یک رتبه بعدی را اعطا کرد؟ آیا قواعد حقوق بشر که برای تحقق منافع بشریت وضع شده‌اند با قواعد مرتبط با اصل حاکمیت دولت‌ها دارای سطح متفاوتی از اهمیت هستند؟ وانگهی اگر قرار باشد قواعد حقوقی را صرفاً از بُعد ضرورت یا شمولیت و یا مخاطبین دسته‌بندی نمود، با ماهیت حقوق بین‌الملل تعارض می‌یابد. قوانین بین‌المللی وضع شده‌اند تا روابط تابعان خود را در تمامی ابعاد تنظیم و قاعده‌مند کنند؛ بنابراین، اگر قرار باشد قواعد بین‌المللی در این وضعیت در یک‌سو حقوق بشر را حمایت نمایند، اما در سوی دیگر، باعث نقض حقوق حاکمیت دولت‌ها

شوند، نمی‌توانند رسالت اصلی خود را ایفا نمایند و نتیجه آن شکست حقوق بین‌الملل خواهد بود. با این رویکرد، نتیجه بررسی در اسناد حقوقی بین‌المللی، بیانگر آن است که مسئله آزادی اطلاعات به‌عنوان یک حق مسلم بشری مورد وفاق جهانی قرار دارد و همه کشورهای جهان خود را به رعایت آن مکلف می‌دانند و همچنین مسئله حاکمیت و امنیت ملی برای آنها دارای چندان اهمیتی است که نقض حاکمیتشان را به هیچ طریق و شیوه‌ای نمی‌پذیرند. این دو مسئله که هر یک به‌نوبه خود برای بقای بشر در فضایی امن و آرام و برقراری نظم عمومی در جامعه جهانی لازم هستند، زمانی اهمیت می‌یابند که نوعی تقابل میان اصل آزادی اطلاعات و اصل حاکمیت صورت بگیرد. به این معنا که اعمال اصل آزادی اطلاعات موجب نقض حاکمیت و امنیت ملی یک کشور شود، به نحوی که در راستای تأمین و توسعه حقوق بشر و حق دسترسی به اطلاعات و انتقال آزاد آن، برخی از کشورهای قدرتمند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و رسانه‌ای برای تأمین منافع خود، با به‌کارگیری وسایل ارتباطی اقدام به انتقال اطلاعاتی کنند که بعضاً با اصل حاکمیت دولت‌های دیگر در تعارض باشد و موجب تهدید امنیت ملی آنها شود. حتی برخی قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در لوای حمایت از حقوق بشر، در کشورهای متهم به نقض حقوق بشر با به‌کارگیری ابزارهایی مانند وسایل ارتباط جمعی اقدام به فعالیت‌های مخفی مانند جاسوسی می‌نمایند و مصادیق آن از جمله در کشور جمهوری اسلامی ایران بسیار یافت می‌شود.

به همین دلیل است که باید اذعان نمود رسانه جمعی به دلیل برخورداری از نقش‌های مؤثر و غیرقابل انکار در جامعه، ممکن است لطمات غیرقابل جبرانی را هم برجای بگذارد و به‌رغم پذیرش این حقیقت که اصل بر آزادی اطلاعات است، باید وجود محدودیت‌هایی برای این اصل به‌منظور پیشگیری از چنین لطمات و خطرات را نیز پذیرفت. اما لازم است این محدودیت‌ها به‌نحو روشن و دقیقی تصریح شوند؛ چراکه خطری که از ناشناخته ماندن و یا درست تعریف نشدن محدودیت‌های آزادی اطلاعات وجود دارد، کم‌تر از قبول نداشتن این آزادی نیست. زیرا آزادی به‌عنوان یک حق بنیادین و یک ارزش برتر، در تمام جوامع بشری مورد قبول و وفاق همگانی است و به همین سبب، به‌ویژه میان صاحبان قدرت، کسی را یارای مخالفت با آزادی، به‌مثابه یک مفهوم کلی، نیست و چنین مخالفتی را جز رسوایی، سزا و جزایی نیست. به همین سبب،

فرایندهای مخالفت با آزادی، اغلب از آنجا آغاز می‌شوند که مصداق‌های آزادی پا به عرصه می‌گذارند. مثلاً بسیار بعید است کسی بدو اعلام کند با آزادی بیان مخالف است. چنین کسانی مخالفت خود با آزادی اطلاعات را ضمن تمجید و تحسین آن، در مصادیق آن به اجرا درمی‌آورند (نوروزی، ۱۳۸۹: ۳۰).

اهمیت پژوهش حاضر در این است که به موضوع حفظ امنیت و حاکمیت ملی کشورها در مقابل آزادی اطلاعات صرفاً نه از جهت تأمین منافع و قدرت آنها پرداخته است، بلکه با تبیین مصادیق اعمالی از قبیل جاسوسی و جنگ نرم، بر آن شده است تا مخاطراتی را که اصل آزادی اطلاعات به لحاظ سوءاستفاده برخی کشورهای قدرتمند برای کشورهای مورد هدف به‌ارمغان می‌آورند، مورد بررسی قرار دهد. به‌همین منظور، علی‌رغم تأکیدی که بر اهمیت حفظ امنیت و حاکمیت کشورها خصوصاً کشورهایی که در معرض آماج اطلاعات قرار دارند شده است، به مسئله آزادی اطلاعات نیز به‌نحوی پرداخته شده است.

با گذر از اسناد بین‌المللی در حوزه آزادی اطلاعات و حاکمیت دولت‌ها نگاهی دووجهی نسبت به مسئله حقوق بشر و حقوق حاکمیت‌ها ایجاد شده و در همین راستا با برشمردن تهدیدات مهم علیه حاکمیت و امنیت ملی و بررسی اصل آزادی اطلاعات به‌عنوان یک حق مسلم بشری تلاش شده است به تبیین رابطه بین آنها پرداخته شود؛ رابطه‌ای که بیانگر نوعی تقابل بین اصل آزادی اطلاعات و اصل حاکمیت دولت‌هاست. اما اینکه این تقابل به چه شکلی ظهور و بروز می‌نماید، مسئله‌ای است که در بخش‌های مختلف این تحقیق به آن پرداخته شده است. مسئله مهم دیگری که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، سوءاستفاده برخی کشورهای قدرتمند از حقوق بشر و اصل آزادی اطلاعات است که منجر شده است امنیت و حاکمیت دولت‌ها با اعمالی چون جاسوسی و جنگ نرم به‌مخاطره بیفتد.

با التفات به اهمیت موضوع، باید دانست که بازیگران عرصه‌های بین‌المللی شامل کشورهای جهان و حتی سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی همواره در تلاشند با ایجاد تحول در قوانین و ایجاد سازوکارهای حقوقی، اهداف خود را محقق نمایند. تا آنجا که به مسئله آزادی مربوط است، به‌دلیل دیدگاه‌های حقوق بشری و نظریات حاکم بر افکار عمومی جهان، ایجاد محدودیت بر آن امری دشوار و کم‌تر قابل پذیرش است که در صورت اعمال محدودیت

با انتقادات فراوان همراه خواهد شد. اما از آنجاکه آسیب‌های ناشی از جریان آزاد اطلاعات می‌تواند آثار سوء و مخربی بر حاکمیت کشورها و امنیت و آسایش افراد بشر داشته باشد، ضروری است با شناخت درست از ابعاد اثرگذاری آزادی اطلاعات و اثرپذیری حاکمیت‌ها از این امر، تدابیر مناسب اتخاذ و تلاش شود تا میران تأثیرات منفی و مخرب تاحدممکن کاهش یابد. این امر نه تنها نیازمند مشارکت کشورهای جهان است، بلکه باید با تبیین ابعاد حقوقی موضوع و دسته‌بندی اولویت‌های نظام بین‌الملل برای استقرار نظم و امنیت جهانی، تلاش و کوشش نمود تا کشورها را از پرتو آثار آزادی اطلاعات در امان نگاه داشت. بنابراین ضرورت، در پژوهش حاضر تلاش شده است با شناخت بهتر تهدیدهایی که در پرتو آزادی اطلاعات موجب نقض حاکمیت و امنیت ملی کشورها می‌شوند (در رأس آنها جاسوسی رسانه‌ای و جنگ نرم رسانه‌ای)، سعی در کنترل و نظارت بیشتر بر رسانه‌ها و ابزارهای انتقال اطلاعات شود تا مانع اقدامات برخی کشورهای سودجو و سلطه‌طلب، علیه کشورهای دیگر شود.

هدف پژوهش

هدف مطالعه حاضر، بیان مواردی است که در پرتو آزادی اطلاعات موجب نقض حاکمیت و امنیت ملی کشورها می‌شود.

سؤال اصلی و فرضیه پژوهش

سؤال اصلی که تلاش شد در پژوهش حاضر به آن پاسخ داده شود، این است که در وضعیت موجود با توجه به تسلط قدرت‌های بزرگ بر منابع، مراکز و مصادر اطلاعات، رابطه بین اصل آزادی اطلاعات و حاکمیت و امنیت ملی چگونه تبیین می‌شود؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح است که کشورهای قدرتمند جهان در جریان اصل آزادی اطلاعات با به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای و منتقل‌کننده اطلاعات، صرفاً به دنبال احقاق حقوق بشر نبوده، بلکه از طریق اقداماتی چون جاسوسی و جنگ نرم در کشورهای دیگر، به دنبال تحقق منافع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... خود هستند که این امر موجب نقض حاکمیت و امنیت کشورهای مخاطب می‌شود.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

آزادی، مقوله‌ای است که انسان از حیث بماهوانسان بودنش به آن گرایش دارد و مهم‌تر از آن نیارمند آزادی است. ارتباط بین آزادی و جسم انسان از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما در رابطه با آزادی افکار و عقاید انسان دیدگاه‌ها متفاوت است. اینکه انسان تا چه میزان مجاز است آراء و نظرات خود یا دیگران را نشر دهد و یا اینکه از چه طریقی می‌تواند به آنها دسترسی پیدا نماید مسئله‌ای است که در زمان‌ها و کشورهای مختلف نگاه متفاوتی نسبت به آن وجود داشته و دارد. تاحدی که سازمان‌های بین‌المللی حامی حقوق بشر برای یک‌دست‌کردن دیدگاه‌ها این موضوع را جزء حقوق بشر قلمداد و برای آن حدودی تعیین نموده‌اند که باید از سوی کشورها و حاکمان مراعات شوند. به‌همین‌منظور، اسناد معتبر بین‌المللی دسترسی افراد به اطلاعات و گردش آزاد آن را به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظر گرفته‌اند.

به‌عنوان مثال، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در ماده ۱۹ بیان می‌دارد "هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی مرزی آزاد باشد". همچنین قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تصریح کرده است "آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشر و... سنگ‌بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است". البته در کنار این آزادی، ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر محدودیتی را در نظر گرفته و بیان می‌دارد "احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد؛ هرکس حق دارد که درمقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد".

در این‌بین، بسیاری دیگر از اسناد بین‌المللی نیز، محدودیت‌هایی بر سر راه آزادی اطلاعات بیان نموده‌اند. برای مثال، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در ماده ۱۷، این قبیل ممنوعیت‌ها را چنین بیان داشته است

1. Universal Declaration of Human Rights

۱. هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود؛ ۲. هرکس حق دارد درمقابل این‌گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار شود.

بنابراین، آنچه نباید فراموش کرد این است که هرچند زندگی در عصر حاضر در کنار وسایل نوین ارتباطی محدودیت برای انتقال اطلاعات را نمی‌پذیرد و همان‌طور که مقررات بین‌المللی با قوت تمام بر آزادی اطلاعات تأکید کرده‌اند، اراده جهانی بر اصل آزادی اطلاعات حاکم است، اما محدودیت‌هایی چون امنیت ملی و نظم عمومی را نیز بر آن بار نموده‌اند که در صورت عدم رعایت، نتیجه‌ای را دربر خواهد داشت که ممکن است خود، تهدیدکننده حقوق بشر باشد. برای درک بهتر این موضوع بهتر است ابتدا با مفاهیم ذیل آشنا شد.

مفهوم آزادی اطلاعات

واژه اطلاعات دربرگیرنده مفاهیم و مصادیق متعددی است که از حیث نوع کاربری، امکان نشر و قلمرو دسترسی، نحوه انتقال و بسیاری موارد دیگر قابل تفکیک است. از لحاظ کاربری در قوانین برخی کشورها، از دسترسی به اطلاعات سخن گفته شده و در برخی دیگر از دسترسی به اسناد یا سوابق دولتی سخن به‌میان آورده شده است. برخی منابع نیز به این مفهوم از حیث قلمرو دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی پرداخته‌اند (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۰).

این واژه قبل از آنکه وارد مباحث حقوقی شود، در حوزه علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است و به‌همین دلیل در آثار محققین این شاخه از علوم انسانی می‌توان به تعاریف دقیقی از این اصطلاح دست یافت. در بسیاری از آثار حقوقی هم تعریف این اصطلاح به‌نوعی مفروض تلقی شده است. برخی معتقدند اطلاعات به‌صورت مجوز مفهومی ندارد و تنها در مرحله استفاده است که معنا پیدا می‌کند و مشخص می‌کند چه چیزی اطلاعات است و چه چیزی اطلاعات نیست. همچنان‌که از این تعریف برمی‌آید به آن براساس نگرش کاربر و بهره‌برداری‌کننده از اطلاعات اهمیت داده شده است. درحقیقت، براساس این دیدگاه، پیامی که برای ما قابل بهره‌برداری است اطلاعات محسوب می‌شود و در غیر این‌صورت پیام‌ها و یا

افکار مبادله‌شده را نمی‌توان اطلاعات محسوب کرد. از نظر گروهی دیگر اطلاعات یعنی دانش به هر شکل انتقال‌پذیر یا به‌بیان‌دیگر اطلاعات می‌تواند هر قالب و شکلی را بپذیرد، مادامی که ضرورت انتقال پیام از طریق مسیر و مجرای تشخیص‌پذیر مطرح باشد. این تعریف از کلیت بیشتری برخوردار است و علاوه‌براین بر قابلیت انتقال و ویژگی سیال اطلاعات تکیه می‌کند (حری، ۱۳۶۹: ۸۹ - ۸۸).

مفهوم آزادی اطلاعات برای اولین بار در امریکا مورد شناسایی و طرح شد که با توجه به عنوان شاید این اشتباه را در اذهان ایجاد نماید که منظور از آزادی اطلاعات، آزادی و حق دسترسی به کلیه اطلاعات است (انصاری، ۱۳۸۵: ۳) اما این تصور درست نیست؛ چراکه اطلاعات هم جنبه خصوصی دارند که مربوط به حریم خصوصی و زندگی شخصی افراد جامعه می‌شود و هم جنبه عمومی دارد که مشمول اطلاعات موجود در اختیار دستگاه‌های دولتی و خصوصی است. پذیرش مفهوم آزادی اطلاعات حقوقی را به‌همراه خود دارد که مهم‌ترین آن حق دسترسی آزاد به اطلاعات است. به‌عبارتی، حق دسترسی به اطلاعات محصول آزادی اطلاعات است که دربرگیرنده حق اعضای یک جامعه به دسترسی به هرگونه اطلاعات در اختیار نهادها و یا مؤسسات عمومی و خصوصی دارد (Dyrberg, 1999: 157).

در حال، بنابر آنچه گفته شد، اطلاعات، مفهوم عامی است که ممکن است در یک سند یا در جزئی از یک سند گنجانده شده باشد و یا اینکه حسب نوع دسترسی که به آن وجود دارد، متشکل از مجموع اسناد یا منابع نوشته‌شده و یا نانوشته باشد (بهاور، ۱۳۸۸: ۱).

آزادی اطلاعات در معنای عام به مفهوم آزادی اطلاع‌رسانی است به‌نحوی که تمامی اطلاعات در دسترس افراد بوده و قابلیت نشر و اشاعه را داشته باشد و این نوع آزادی صرفاً مشمول دسترسی به جریان آزاد اطلاعات نیست، بلکه امکان انتشار و پخش آن برای مقاصد گوناگون در حوزه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را شامل می‌شود. اما آزادی اطلاعات در معنای خاص دربرگیرنده اطلاعاتی است که در اختیار مؤسسات یا مراکز دولتی و شبه‌دولتی است و مقصود بسیاری از قوانین در خصوص دسترسی به اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات در واقع دستیابی به این اطلاعات است.

حق دسترسی آزاد به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و دولتی برای اولین بار در قانون سوئد و در سال ۱۷۶۶ برای روزنامه‌نگاران این کشور به رسمیت شناخته شد. در سال‌های اخیر تلاش‌های جهانی و منطقه‌ای بسیاری از سوی دولت‌ها در به رسمیت شناختن این حق صورت گرفته است و با شدت بیشتری از سوی دولت‌ها پیگیری شده است. آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات از جمله حقوق شهروندی است که به شهروندان حق دست‌یافتن به اطلاعات درست و کارآمد در خصوص مسائل و حوادث داخلی و بین‌المللی و نیز آزادی‌هایی نظیر آزادی چاپ و نشر، ممنوعیت سانسور، کوشش در سلامت مطبوعات و جلوگیری از محدودیت‌ها در دسترسی به اطلاعات و قانونمند کردن وسایل ارتباط جمعی در رساندن اطلاعات را می‌دهد (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۲: ۶). حق دسترسی به اطلاعات موجود در نهادها و مؤسسه‌های عمومی از مفاهیم نسبتاً جدید و نوظهور در ادبیات حقوقی است. اما مبنای این حق همان ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقیده خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در أخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد» (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳).

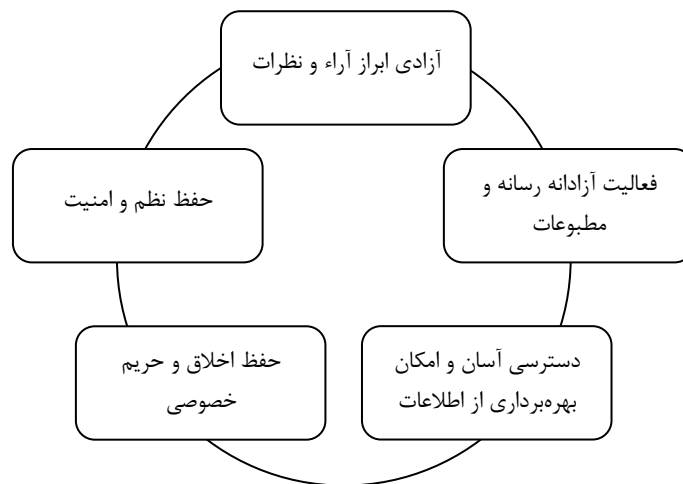
عوامل مختلفی در اقبال عمومی به حق آزادی اطلاعات دخالت داشته‌اند؛ از جمله این عوامل، گذار به دموکراسی که از دهه ۱۹۹۰ به این سو در بسیاری از مناطق جهان اتفاق افتاده است، در کنار پیشرفت گسترده فناوری اطلاعات که به کلی مناسبات جوامع را تحت الشعاع خود قرار داده، اهمیت حق بر اطلاعات را نزد افکار عمومی بیشتر کرده است (جم، ۱۳۸۹: ۷۰۹).

این روند به صورت کند ادامه داشت، به طوری که در دهه ۱۹۹۰ تنها ۱۳ کشور دارای قوانین ملی دسترسی به اطلاعات بودند؛ در حالی که امروزه حدود بیش از ۷۰ کشور قوانین جامع آزادی اطلاعات را وضع کرده‌اند تا دسترسی به سوابق موجود نزد نهادهای دولتی را میسر سازند و حدود ۵۰ کشور دیگر نیز در مرحله بررسی یا پیش‌نویس قوانین آزادی اطلاعات هستند (جم، ۱۳۸۹: ۷۰۸).

در سطح جهانی، به موازات وضع قانون مذکور توسط کشورها، سازمان‌های بین‌المللی نیز حق مذکور را مورد شناسایی قرار دادند. این ایده (آزادی اطلاعات)، از سال‌ها پیش توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده بود. در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد. ماده ۱۹ اعلامیه که از آن به آزادی بیان و عقیده نام می‌برند به حق جستجو، انتقال و دریافت اطلاعات اشاره می‌کند. در سال ۱۹۴۶، مجمع عمومی ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای تأکید کرد که آزادی اطلاعات یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر و آزادی‌هایی است که ملل متحد برای تحقق آن به وجود آمده است. این قطعنامه، در این خصوص مقرر می‌دارد: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری است... و سنگ‌محک تمامی آزادی‌هایی است که همه ملل آن را مقدس می‌شمارند». لذا از شورای اقتصادی و اجتماعی دعوت کرد که کنفرانسی در این زمینه ترتیب دهد. این کنفرانس، در سال ۱۹۴۸، در ژنو تشکیل شد و سه طرح مقاله‌نامه با عنوان مقاله‌نامه جمع‌آوری و بخش بین‌المللی اخبار، مقاله‌نامه حق بین‌المللی تصحیح و مقاله‌نامه بین‌المللی کسب اطلاعات، تهیه و تقدیم داشت که دو طرح نخست، در سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع عمومی رسید و طرح سوم در سال ۱۹۶۲ به صورت یک اعلامیه توسط شورای اقتصادی و اجتماعی صادر و اعلام شد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۷۰).

بعدها، سازمانی غیردولتی و بین‌المللی، به نام سازمان ماده ۱۹، که نام خود را از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفته است، با هدف دفاع و ارتقای آزادی بیان و آزادی اطلاعات تشکیل شد و هم‌اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. علاوه بر اینها، میثاق‌ها و کمیسیون‌های بین‌المللی متعدد دیگری نیز پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این حق تأکید کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی اشاره کرد. در این میان، دولت‌ها با رویکرد حفظ کشور و موارد امنیتی همیشه در راستای ایجاد محدودیت در دست‌یافتن اطلاعات توسط مردم گام برداشته‌اند. از جمله مواردی که دولت‌ها به بهانه آنها دسترسی آزاد به اطلاعات را با محدودیت روبه‌رو می‌سازند، عبارتند از: حمایت از امنیت ملی و سیاست خارجی، حمایت از حریم خصوصی افراد، حمایت از اسرار دولتی، حمایت از مالکیت‌های فکری و منافع اقتصادی، حمایت از تحقیقات قانونی که در ابتدا باید سری بمانند، حمایت از سلامت

افراد جامعه، دلایل راهبردی منطقه‌ای و جهانی و دلایل مذهبی - دینی و همچنین حمایت از سری‌ماندن اطلاعاتی که سری‌ماندنش نفع عمومی و نفع خاصی دارد.



شکل ۱. مؤلفه‌های آزادی اطلاعات (Dyrberg, 1999: 151)

مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی یک مفهوم غربی و خصوصاً امریکایی است که سابقه آن به شکل‌گیری دولت‌های ملی در قرن ۱۷ باز می‌گردد و اوج رواج آن به سال‌های پس از ۱۹۴۵ برمی‌گردد (قریب، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

تحولات صورت‌گرفته طی قرون معاصر خصوصاً بعد از جنگ سرد در تعریف این مفهوم، اهمیت آن را دوچندان نموده است (Haftendorn, 1991: 6) براساس تعاریف ارائه‌شده درخصوص معنای امنیت در فرهنگ‌های لغت، امنیت به احساس فارغ‌بودن از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارد. ازسویی، امنیت ملی به‌صورت عینی به‌معنای عدم وجود هرگونه تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و از یت ذهنی به‌معنای فقدان ترس از به‌خطرافتادن این ارزش‌ها و حمله به آنهاست (Wolfers, 1962: 150).

این مفهوم از حیث حقوقی و سیاسی دربردارنده نوعی فراغت در سطح فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی از هرگونه تهدید و خطری است که ممکن است محدودکننده وضعیت فوق باشد؛ فارغ از سطوح فردی و اجتماعی امنیت که البته به‌نوبه خود دارای اهمیت هستند. تأمین امنیت ملی برای کشورها در درجه اول اهمیت قرار دارد و بعد از آن تأمین امنیت بین‌المللی دارای اهمیت است. به‌رحال، ماهیت وجودی دولت‌ها به تأمین امنیت داخلی و خارجی و چگونگی تعریف، بسط و گسترش مفهوم امنیت ملی متکی است (رکن‌آبادی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

درواقع، امنیت ملی به مجموعه الزاماتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها باتکیه بر آن و به‌کارگیری ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی بقای خود و حکومت را حفظ می‌نمایند. درمورد امنیت ملی، تعاریف مختلفی ارائه شده است اما از آنجا که امنیت یک مفهوم چندوجهی است و درمعنای امروز خود دچار تنوع و پیچیدگی بسیاری شده است؛ ازاین‌رو درباره آن تفاهم قطعی وجود ندارد، به‌نحوی که مانند برخی مفاهیم علوم انسانی، دارای تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب‌نظران نمی‌باشد (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴).

بنابراین، می‌توان گفت امنیت نیاز بنیادین و هدف اولیه و اساسی تک‌تک انسان‌ها در جامعه و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است و مهم‌ترین وظیفه و مسئولیت دولت ملی که مبنای تأسیس آن محسوب می‌شود، برقراری امنیت برای شهروندان است که ممکن است در داخل ازسوی افراد و گروه‌ها و در خارج ازسوی کشورها و گروه‌های دیگر نقض شود. درمقابل برقراری امنیت، مردم حق اعمال قدرت مشروع را به دولت محول کرده و از بخشی از آزادی‌های فردی و اجتماعی خود صرف نظر می‌کنند. دولت ملی حق اعمال قدرت مشروع در چارچوب سرزمینی خود را در اختیار دارد و در صورت نیاز، از آن برای تنبیه متجاوزین به حقوق مردم یا مقابله با دولت‌های دیگر استفاده می‌کند. دولت به قانون‌گذاری، اجرای قانون و قضاوت میان مردم می‌پردازد تا امنیت را در جامعه تأمین کرده و بستر مناسبی را برای فعالیت شهروندان در جامعه به‌وجود بیاورد (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

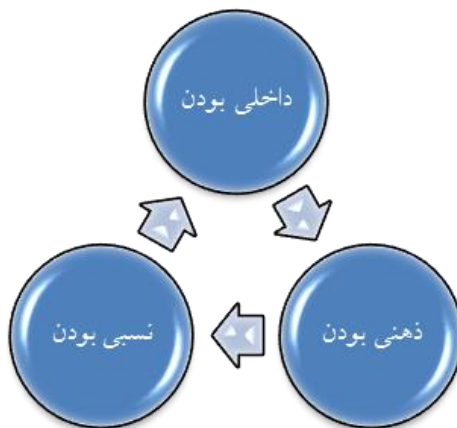
به‌عبارتی، از حیث داخلی، دولت‌ها تلاش می‌کنند کنترل لازم بر تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره را اعمال نموده و برای جلوگیری از برهم‌خوردن نظم و

امنیت از هرگونه آشفتگی میان مردم جلوگیری کنند. در جنبه بین‌المللی، نگرانی حاصل از تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باعث شده است تا دولت‌ها برای تأمین امنیت و حفظ منافع علاوه بر تمهیدات فردی و ارتقای توان سیاسی، اقتصادی و نظامی خود، با دیگر کشورهای مشترک‌المنافع که دارای قرابت سیاسی، مذهبی و یا اقتصادی هستند، متحد شده و به نیروی یکدیگر متوسل شوند. به‌همین دلیل است که امنیت برای تمام نظام‌های سیاسی صرف‌نظر از میزان توسعه اقتصادی، اجتماعی و نوع ایدئولوژی، در اولویت قرار دارد و به‌عنوان یک آرمان از اساسی‌ترین حقوق مردم به حساب می‌آید (رستگارپناه و سلطانی‌فر، ۱۳۹۱: ۷۵).

وقتی صحبت از امنیت می‌شود، منظور صرفاً امنیت در بخش‌های سخت‌افزاری و نظامی نیست، بلکه مشمول امنیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... است که هم بعد نرم‌افزاری و هم بعد سخت‌افزاری را دربرمی‌گیرد. به‌همین منظور، نباید تصور نمود که امنیت ملی تنها به امنیت در مقابل تهاجمات نظامی دول خارجی علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور اطلاق می‌شود، بلکه دولت‌ها معمولاً خدشه‌دارشدن امنیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را که مربوط به بعد ملی است نیز مورد توجه قرار می‌دهند (یزدیان جعفری، ۱۳۹۴: ۶۰).

با عنایت به مطالب فوق به‌خوبی روشن می‌شود وقتی بیگانگان از طریق فناوری ارتباطات قصد نفوذ بر افکار و فرهنگ ملی کشور را دارند، درواقع اقتدار و امنیت ملی آن کشور را هدف قرار داده‌اند و از طریق شیوه‌ای کاملاً نرم‌افزاری به همان اهدافی می‌رسند که در قرون گذشته با تاکتیک‌های نظامی حاصل می‌شد با این تفاوت که «امپریالیسم»^۱ مبتنی بر «میلیتاریسم»^۲ به دلیل انقلابات «ناسیونالیستی»^۳ کشورهای جهان سوم ناپایدار و سطحی بود؛ درحالی‌که امپریالیسم فرهنگی به دلیل نفوذ در ذهن، جان، اندیشه و فرهنگ مردم، عمیق و پایدار است و به‌همین خاطر به مراتب خطرناک‌تر و تهدید آفرین‌تر است (روحانی، ۱۳۸۷: ۹).

-
1. Imperialism
 2. Militarism
 3. Nationalism



شکل ۲. مؤلفه‌های امنیت

مفهوم حاکمیت

تشکیل و تکامل مفهوم حاکمیت در حقوق بین‌الملل به قدمت تاریخ تکامل این رشته از حقوق است (Bernhardt, 2000: 501). ریشه مفهوم حاکمیت نیز به سال‌ها قبل از تاریخ ۱۶۴۸ یعنی مبدأ صلح «وستفالی»^۱ برمی‌گردد و باید پذیرفت مفهوم حاکمیت در این سال به‌طور تلویحی ظهور نموده است (Gorden, Doellinger, Reader & Sil, 2008: 5).

حاکمیت در مفهوم نوین خود نخستین بار در اواخر قرن شانزدهم و با اشاره به پدیده جدید دولت سرزمینی تدوین شد. این مفهوم در قالبی حقوقی به واقعیت‌های سیاسی این دوره یعنی ظهور قدرتی مرکزی که اقتدار خود را در زمینه قانون‌گذاری و اجرای قانون در داخل سرزمینی مشخص اعمال می‌کرد، اشاره داشت (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۴۹۵).

۱. معاهده «وستفالی»، عهدنامه‌ای است که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی (۱۶۴۸ - ۱۶۱۸) میان کشورهای اروپایی منعقد شد. این جنگ که به علل مذهبی و به‌سبب مبارزه بین «کاتولیک‌ها» و «پروتستان‌ها» از سال ۱۶۱۸ آغاز شده بود و در نهایت نیز معاهده صلح در دو شهر از ایالت وستفالی منعقد شد و به جنگ مذهبی خاتمه داد. در این معاهده اصل استقلال کشورها، اعم از سیاسی و مذهبی و نیز تساوی آنها در روابط بین‌المللی و روابط خارجی برای اولین بار و رسماً مورد موافقت قرار گرفت.

مدت‌ها بعد، از این مفهوم حاکمیت که جوهره سیاسی داشت، تعبیری حقوقی شد. ظهور مفهوم حاکمیت با کلیه ابعاد و وجوه امروزی، متعلق به دوره‌ای است که در اثر سیر تحول اجتماعی جوامع، نظام فئودالیت فرو می‌پاشد و قدرت فئودال از شکل پراکنده و پخش شده آن، در شبکه پیچیده‌ای از روابط سیاسی، به سوی تمرکز و تجلی در حکومت مرکزی حرکت می‌کند. در نظام فئودالی هیچ واحد قدرتمندی نمی‌توانست در برابر واحد دیگری ادعای حاکمیت داشته باشد و سلسله‌مراتب موجود بین واحدها، معنی حاکمیت واحدی را بر واحد دیگر نداشت (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

در تاریخ غرب، صور مختلفی از حاکمیت: حاکمیت مطلق، حاکمیت مردم و حاکمیت ملت، پدید آمد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۹: ۱۹۱). نظریه حاکمیت ملی در برابر حاکمیت مردم در قرن شانزدهم همزمان با پذیرش دولت ملی مطرح شد؛ به گونه‌ای که می‌توان این دو را همزاد با هم دانست. «ژان بودن»^۱، فیلسوف فرانسوی ظاهراً اولین کسی است که در اثر خود «شش کتاب درباب جمهوری» اصطلاح حاکمیت را به کار برد. «بودن» در نظریه خویش، اختیارات را از کلیسا سلب می‌کند و به شخصی از درون ملت می‌دهد و معتقد است که این حاکم باید حاکمیت داشته باشد. حاکمیت در یک مجموعه به نام دولت ملی استقرار می‌یابد نه در توده‌های مردم (عامری، ۱۳۷۷: ۱۴۹).

انعکاس رسمی این نظریه در اواخر قرن هیجدهم (بین سال‌های ۱۷۸۹ - ۱۷۹۱) پدیدار گشت. در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر اعلام شد: «ریشه هر حاکمیتی اساساً در ملت قرار دارد.» «هیچ هیأت یا فردی نمی‌تواند اقتداری را که ناشی از ملت نباشد، اعمال کند، لذا حاکمیت متعلق به کلیتی است به نام ملت. ملت شخصیت حقوقی و متمایز از کسانی است که آن را تشکیل می‌دهند. موجودی واقعی است متفاوت از افراد، گروه‌ها و طبقات، انتزاعی است از جمعیت ساکن در قلمرو یک دولت - کشور که حاکمیت از آن اوست و توسط نمایندگان او اعمال می‌گردد.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

خلق مفهوم «ملت» در برابر «مردم» موجب شد در قانون اساسی سال ۱۷۹۱ ویژگی حاکمیت ملی به طریق زیر بیان شود: «حاکمیت، واحد، بخش‌ناپذیر و غیرقابل انتقال است و به

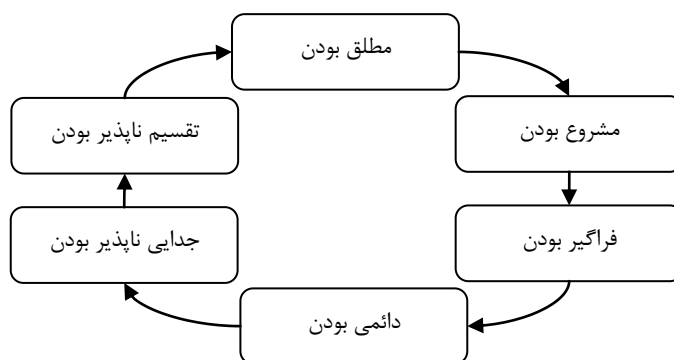
1. Jean Bodin

ملت تعلق دارد. هیچ بخش از مردم و هیچ کدام از افراد نمی‌توانند اعمال آن را به خود اختصاص دهند (قاضی شریعت‌پناه، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

درباره ماهیت حاکمیت باید گفت که سه نظریه وجود دارد: یکی نظریه قطعه‌ای است که براساس آن حاکمیت قطعه‌ای یکپارچه است که در یک زمان می‌تواند از کلیه مزایای حاکمیت برخوردار باشد. به عبارت دیگر، حاکمیت، یک امر تفکیک‌ناپذیر است. دیگری نظریه سببی است که برای حاکمیت درجات مختلف قائل است و برخی از حکومت‌های سببی تعدادی از خواص را دارا هستند که حاکمیت سببی دیگری، تعدادی دیگر از خواص را داراست. براساس این نظریه تعداد اندکی از حکومت‌های موجود، مطلق و الباقی متغیر هستند. نظریه سوم مربوط به همخوانی حاکمیت با اقتدار است که در آن ارکان دولت از اقتدار کافی برخوردار هستند (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

از این حیث می‌توان، ریشه حاکمیت را بر سه بخش تقسیم نمود: اول، شأن و اقتدار یا همان میزان احترامی که یک نهاد از آن برخوردار است، دوم، توان حکومت‌کردن و سوم، مباشرت یعنی انجام دادن کار به نمایندگی از دیگران با هدف نفع آنها (Lyons & Mastanduno, 1993:5).

به بیان ساده‌تر می‌توان گفت: حاکمیت در واقع همان قدرت سیاسی حاکم بر یک جامعه است که با اقتدار و تسلط خود سعی به برقراری نظم و امنیت می‌نماید. از شاخصه‌های مهم یک حکومت مقتدر این است که هر جا لازم باشد از تمامیت ارضی، استقلال، نظم و امنیت ملی خود در مقابل تهاجمات خارجی و داخلی حراست نماید.



شکل ۳. مؤلفه‌های حاکمیت (فرزین، ۱۳۸۱: ۳۰)

آزادی اطلاعات، امنیت و حاکمیت ملی از نگاه اسناد بین‌المللی

آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن، از دسته حقوقی محسوب می‌شود که مورد تأیید و تأکید بسیاری از متون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. از جمله متونی که در آنها به مسئله آزادی اطلاعات اشاره شده است، قطعنامه‌های سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه‌های حقوق بشر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

اسناد حقوقی جهانی و سازمان ملل متحد

در اوایل شروع کار سازمان ملل متحد، سیاست‌مداران و حقوق‌دانان، تحت تأثیر جنگ جهانی دوم، بر مسئله آزادی اطلاعات تأکید زیادی داشتند (La Rue, 2011: 19) و اکنون باتوجه به تحولات رخ داده در عرصه ارتباطات و فناوری، حق دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد اخبار، به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی به‌شمار می‌رود (اسلامی و عصاره، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

بر مبنای اصل جریان آزاد اطلاعات که در اسناد بین‌المللی حقوقی آمده است، مردم حق دارند به اخبار عمومی دسترسی داشته باشند، آن را به یکدیگر منتقل کنند، درباره آن اظهار نظر نمایند و احیاناً نسبت به آن نقد و اعتراض داشته باشند. برای تحقق این امر سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد با وضع مقررات و تصویب قطعنامه، نقش پررنگی ایفا نموده‌اند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اولین بار در سال ۱۹۴۶، موضوع آزادی انتقال اطلاعات را در قطعنامه شماره ۵۹ به رسمیت شناخت. این قطعنامه آزادی اطلاعات را به‌عنوان یک حق بنیادین بشری که سنگ بنای همه آزادی‌ها است، قلمداد نموده و سازمان ملل را وقف آن دانسته است. بنابر توصیه این قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۴۸ در ژنو اقدام به تشکیل کنفرانسی در زمینه آزادی اطلاعات نمود که ذیل آن سه طرح مقاله‌نامه‌ای شامل: ۱. مقاله‌نامه جمع‌آوری و پخش اخبار؛ ۲. مقاله‌نامه حق بین‌المللی تصحیح و ۳. مقاله‌نامه بین‌المللی کسب اطلاعات تهیه شد. دو طرح اول در سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع عمومی رسید و طرح سوم در سال ۱۹۶۲ به صورت یک اعلامیه توسط شورای اقتصادی و اجتماعی صادر و اعلام شد که به‌عنوان پشتوانه مناسبی در موضوع آزادی اطلاعات از آن یاد می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

تصویب این طرح‌ها از سوی مجمع عمومی سازمان ملل، گویای عزم آن سازمان برای حمایت از آزادی اطلاعات است و افزون‌بر آنها بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی که پیرامون حقوق بشر تدوین شده‌اند نیز به مسئله آزادی اطلاعات پرداخته‌اند. حتی برخی از سازمان‌های بین‌المللی که وظیفه ایجاد صلح، برابری و آزادی را برعهده دارند، در اساسنامه‌های خود به نوعی به موضوع آزادی اطلاعات گریز زده‌اند تا دین خود را به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی به آزادی اطلاعات ادا نموده باشند.

سند دیگری که شاید بتوان گفت مهم‌ترین سند در تبیین اصل آزادی اطلاعات می‌باشد، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این اعلامیه ضمن اشاره به حق آزادی عقیده و بیان برای همه افراد بشر، در ماده ۱۹ خود مقرر می‌دارد: "هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد." این حق شامل آزادی عقاید، مصونیت از تعرض و جستجو، کسب و اظهار اطلاعات و اندیشه‌ها از طریق هر رسانه‌ای بدون توجه به مرزها می‌باشد (صفایی و جعفری، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

اگرچه این ماده هیچ‌گونه محدودیتی را نسبت به آزادی بیان مقرر نداشته است، اما این مسئله به‌معنای مطلق‌انگاشتن این حق در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست. زیرا در بند ۲ همان اعلامیه آورده شده است که "هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به‌وسیله قانون به‌منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است." به‌هرحال، هرچند این اعلامیه به اندازه تعهدات مندرج در معاهدات، قوی و الزام‌آور نیست، اما اعلامیه حاضر در قالب قطعنامه‌ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تدوین شده که ارزش حقوقی توصیه‌ای دارد و حقوق بشر را در حقوق موضوعه بین‌المللی به‌صورت مستقل وارد کرده است (اجاق، ۱۳۹۴: ۲۸).

علاوه‌بر اسناد بین‌المللی که در فوق اشاره شدند، مسئله آزادی اطلاعات و محدودیت‌های بارشده بر آن در جهت حفظ حاکمیت و امنیت ملی، در اسناد حقوقی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

اسناد حقوقی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها سه سند حقوق بشری منطقه‌ای هستند که در راستای اصول و ارزش‌های بشریت، در مسیر حمایت‌هایی از جنس آزادی گام برداشته‌اند.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، سرآغاز تحولات مهم در عرصه توسعه و تحول حقوق بشر به‌شمار می‌آید. در بند اول ماده ۱۰ کنوانسیون، از مقوله آزادی بیان حمایت شده است. این کنوانسیون مانند بسیاری از اسناد حقوق بشری حق داشتن نظر، دریافت و اشاعه اطلاعات را بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی به رسمیت شناخته است. تنها قید اضافی این ماده نسبت به اسناد جهانی، قید بدون مداخله مراجع دولتی است، زیرا آزادی بیان و دریافت اطلاعات، یکی از مصادیق حقوق بشر هستند که نه تنها باید از مداخله مراجع دولتی، بلکه به طریق اولی باید از مداخله مراجع غیردولتی نیز مصون بمانند (احمدی، ۱۳۹۵: ۹).

در بند دوم این ماده نیز، مواردی از جمله امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، منع و جلوگیری از آشوب و جرم، حمایت از بهداشت یا اخلاق عمومی، حمایت از حیثیت و حقوق دیگران، منع و جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار، صلاحیت و بی‌طرفی دستگاه قضائی به‌عنوان محدودیت‌های آزادی بیان ذکر شده‌اند.

کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، سند دیگری است که توسط کشورهای امریکایی در سال ۱۹۶۹ در کاستاریکا، تدوین شد. این کنوانسیون که در مقایسه با همتای اروپایی خود و دیگر اسناد بین‌المللی به تفصیل بیشتری در بحث آزادی بیان پرداخته است و ماده ۱۳ خود را به مباحث آزادی بیان و محدودیت آن اختصاص داده است. در بند ۱ ماده ۱۳ علاوه بر اینکه حق آزادی بیان مورد تأکید قرار گرفته، برای آن محدودیت‌هایی از جمله حمایت از امنیت ملی، احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق عمومی هم وضع شده است. یکی از ویژگی‌های این کنوانسیون، تأکید بر این نکته است که هیچ‌یک از مواد مندرج در آن نباید به نحوی تفسیر شود که دولت‌های عضو مانع اجرای حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون، برای گروه‌ها و اشخاص شوند یا حتی آنها را بیشتر از حدود پیش‌بینی شده در کنوانسیون محدود کنند. فراتر از این، در بند ب ماده ۲۹ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، هرگونه

تفسیر مواد کنوانسیون که منجر به ایجاد محدودیت بر آزادی‌های شناخته‌شده در قوانین داخلی کشورها شود، مردود دانسته شده است، هرچند که ماده ۳۰ این کنوانسیون محدودیت‌ها را در چارچوب قانون و برای تأمین مصالح عمومی قابل اعمال دانسته است.

«منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها»^۱ سند منطقه‌ای دیگری در حمایت از آزادی اطلاعات است که در سال ۱۹۸۱ به وسیله سازمان وحدت آفریقا (در حال حاضر اتحادیه آفریقایی) تصویب و در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ قابلیت اجرا پیدا کرده است. این منشور از جمله مهم‌ترین اسناد در نظام آفریقایی حقوق بشر به‌شمار می‌آید که از حیث مبنایی به اعلامیه جهانی حقوق بشر نزدیک می‌باشد و در راستای به رسمیت شناختن هنجارهای حقوق بشری و حمایت و ترویج حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در این نظام به تصویب رسیده است. طبق ماده ۹ این منشور، نه تنها هر فرد باید حق دریافت اطلاعات را داشته باشد، بلکه باید حق بیان و اشاعه عقاید خود را در چارچوب قانون نیز داشته باشد؛ چراکه اگر نظام بین‌المللی به دنبال تحقق مصادیق حقوق بشر و توسعه دموکراسی باشد، اجرای حق آزادی بیان از مقدمات و ملزومات آن است (Simons, 2006: 16).

اعلامیه اسلامی حقوق بشر، سند فرامنطقه‌ای مهم دیگری است که به مسئله آزادی اطلاعات پرداخته است. سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۰ در قاهره اقدام به تصویب «اعلامیه اسلامی حقوق بشر»^۲ نمود. اعلامیه قاهره یا همان اعلامیه حقوق بشر اسلامی در برخی موارد، مشابه اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شده و همانند آن بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تأکید نموده و حقوق بنیادین بشر را به رسمیت می‌شناسد. علاوه بر این، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر بر امور قابل توجهی چون حق حیات، حق آزادی، حق امنیت و سایر حقوق طبیعی انسان‌ها نیز تأکید می‌کند، ولی در بعضی از جهات با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای اختلافاتی است. این اعلامیه، سندی بین‌المللی است که در حمایت از آزادی اطلاعات به‌عنوان حق بشری سخن به میان آورده است، اما این موضوع را به‌گونه‌ای متفاوت مطرح نموده است. نظام حقوقی دین اسلام اصل آزادی بیان را مانند

1. African Charter on Human and peoples' rights
2. Islamic Human Rights Declaration

غربیان یکی از اصول اساسی پذیرفته شده می‌داند؛ یعنی آزادی و هرگونه فعالیت فکری حق مسلم افراد است، ولی از دیدگاه اسلامی این حق بدون قیدوشرط و مطلق نیست. زمانی فعالیت فکری مطلوب و مجاز است که برای حال جامعه مضر نباشد و موجبات اختلال در زندگی مردم و جامعه را فراهم نیاورد. درواقع، حق آزادی قلم و بیان، مشروط به عدم مزاحمت برای حق حیات و کرامت انسان‌هاست. بدین‌لحاظ، از بررسی اصول آزادی بیان و دریافت اطلاعات در بندهای ماده ۲۲ اعلامیه قاهره چنین استنباط می‌شود که آزادی موردنظر این اعلامیه کاملاً متفاوت با آزادی بیانی است که در منشور سازمان ملل و سایر اسناد بین‌المللی مطرح شده است. آنچه در این ماده بیش از هر چیز توجه را جلب می‌کند، اهمیت دادن به شرافت و کرامت انسان‌ها و درست‌بودن جریان پخش و دریافت اطلاعات بدون تبعیض و لطمه‌زدن به ارزش‌ها و اعتقادات است.

نتیجه اینکه بررسی محتوای کنوانسیون‌های حقوق بشری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل اعلامیه اسلامی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و غیره (جدول شماره ۱)، نشان می‌دهد در مواردی بین اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های مذکور اختلاف وجود دارد که بیانگر عدم تأکید بر تمامی مندرجات اعلامیه جهانی توسط این کنوانسیون‌هاست. باین‌وجود کنوانسیون‌های جهانی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اسلامی و غیراسلامی همگی در موضوع آزادی اطلاعات هرچند با تفسیرهای متفاوت، تقریباً مواضع واحدی دارند. اما یکسری از کشورهای قدرتمند درمقابل برخی کشورهای امضاکننده اعلامیه اسلامی حقوق بشر از جمله جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه مبتنی بر نقض قوانین حقوق بشر دارند و تلاش می‌نمایند از تمام امکانات موجود در این راه بهره ببرند. درهمین‌راستا، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقلال این کشور از استعمار سیاسی کشورهای غربی خصوصاً آمریکا و انگلیس، تلاش‌های زیادی شده است تا قواعد و قوانین ایرانی - اسلامی را زیر سؤال ببرند و آن را ناقض حقوق بشر معرفی کنند. به‌همین‌منظور کشورهای اروپایی به سردمداری آمریکا طی ۴۰ سال اخیر با تمام قوا و بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد و صدور قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران کوشیده‌اند در یک جریان اسلام‌ستیزی آشکار با تاریخ جلوه‌دادن مسئله رعایت حقوق بشر در قوانین اسلام این عقیده را به جوامع

بین‌المللی القا نمایند که آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات در قواعد اسلام و خصوصاً کشور جمهوری اسلامی ایران با محدودیت جدی همراه است. در حالی که با بررسی اسناد و شواهد موجود، کاملاً آشکار است که همین کشورهای مدعی با اتخاذ مواضع سختگیرانه مانع اشاعه اطلاعات به داخل کشورشان و نشر آن شده‌اند و اصول حقوق بشری را زیرپای نهاده‌اند. مانند زمانی که شبکه تلویزیونی «پرس تی وی» به‌عنوان رسانه وابسته به جمهوری اسلامی را تحریم کرده و مانع انتقال اخبار و اطلاعات از طریق این شبکه اسلامی شدند. به‌هرحال، بر مبنای اسناد حقوقی بین‌المللی مورد اشاره پرواضح است که کشورهای جهان ضمن پذیرش قوانین حامی حقوق بشر و جریان آزاد اطلاعات، محدودیت‌های خاصی را که شامل حفظ حاکمیت، امنیت ملی، نظم و اخلاق عمومی و غیره است، وضع نموده‌اند تا مبادا خللی در حاکمیت و امنیت ملی کشور آنها وارد آید و این همان مسئله‌ای است که مورد تأکید قواعد اسلامی نیز قرار گرفته است.

جدول ۱. اسناد حقوقی بین‌المللی در خصوص آزادی اطلاعات و محدودیت‌های آن

محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده	متن / ماده	تاریخ انعقاد	سند حقوقی
رضایت، عدم سوءاستفاده، تعهد اخلاقی، عدم سوگیری	آزادی اطلاعات یک حق بشری می‌باشد و سنگ محک همه آزادی‌هاست. آزادی اطلاعات مستلزم حق جمع‌آوری، انتقال و انتشار اخبار در هر کجا و همه مکان‌ها بدون قیدوبند می‌باشد.	۱۹۴۶	قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد
حق حیات، حق آزادی، حق امنیت و سایر حقوق طبیعی انسان‌ها	ماده ۱۹: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.	۱۹۴۸	اعلامیه جهانی حقوق بشر
حق حیات، حق آزادی، حق امنیت و سایر حقوق طبیعی انسان‌ها	ماده ۲۲: هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.	۱۹۹۰	اعلامیه اسلامی حقوق بشر
حق صلح و امنیت ملی و بین‌المللی و حاکمیت و حریم خصوصی	ماده ۹: هر فرد حق دریافت اطلاعات را دارد و هر فرد حق دارد که نظرات خود را در چارچوب قانون بیان و منتشر کند.	۱۹۸۶	منشور آفریقایی حقوق بشر

ادامه جدول ۱. اسناد حقوقی بین‌المللی در خصوص آزادی اطلاعات و محدودیت‌های آن

سند حقوقی	تاریخ انعقاد	متن / ماده	محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده
کنوانسیون امریکایی حقوق بشر	۱۹۶۹	ماده ۱۳: هرکس حق آزادی اندیشه و بیان دارد. این حق شامل آزادی در جستجو، دریافت و انتقال هر نوع اطلاعات و عقیده‌ای صرف‌نظر از مرزها، به‌صورت کتبی، شفاهی و چاپی در قالب هنر، یا هر رسانه منتخب دیگری می‌باشد.	حمایت از امنیت ملی، احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، نظم عمومی یا بهداشت یا اخلاق عمومی
کنوانسیون اروپایی حقوق بشر	۱۹۵۰	ماده ۱۰: هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد.	امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، منع و جلوگیری از آشوب و جرم، حمایت از بهداشت یا اخلاق عمومی، حمایت از حیثیت و حقوق دیگران
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۱۹۶۶	بند ۲ ماده ۱۹: همه افراد حق آزادی بیان دارند این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و دادن همه انواع اطلاعات و ایده‌ها بدون توجه به مرزهای سرزمینی می‌گردد.	احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی و یا نظم، بهداشت و اخلاق عمومی

نقض حاکمیت و تهدید امنیت ملی در سایه آزادی اطلاعات

همان‌طور که داشتن حاکمیت در کنار جمعیت و سرزمین از ویژگی‌های اساسی و مهم یک دولت است، یکپارچگی و انسجام نیز از ویژگی‌های مهم حاکمیت محسوب می‌شود که به دولت توانایی حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور را می‌دهد.

استقلال و اقتدار نیز از مؤلفه‌های مهم دولت در چنین حاکمیتی است که ارکان لازم برای تنظیم روابط نهادهای درونی و ارتباطات بیرونی جهت مقابله با هرگونه تهدیدی علیه حاکمیت و امنیت کشور را فراهم می‌سازد (Hudson, 200: 2 - 3).

آزادی اطلاعات یکی از مواردی است که شاید فی‌نفسه تهدیدی برای حاکمیت و امنیت ملی محسوب نگردد، اما به‌کارگیری آن توسط کشورهای مخالف و متخاصم می‌تواند تهدید محسوب شده و در صورت عدم کنترل، آسیب‌های زیادی بر حوزه‌های مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی وارد آورد. به‌همین دلیل، علی‌رغم تمام تأکیدات و توصیه‌هایی که

در اسناد بین‌المللی و حقوق بشری بر آزادی اطلاعات وجود دارد، دولت‌ها همواره در کشاکش این مسئله هستند که تا حد امکان بر جریان آن نظارت نموده و تأثیرگذاری آزادی اطلاعات بر حاکمیتشان را کنترل کنند و تأثیرات منفی آن را به حداقل برسانند و تهدیدهای خارجی علیه منافع سیاسی و ملی خود را دفع نمایند و امنیت ملی را تأمین کنند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۸).

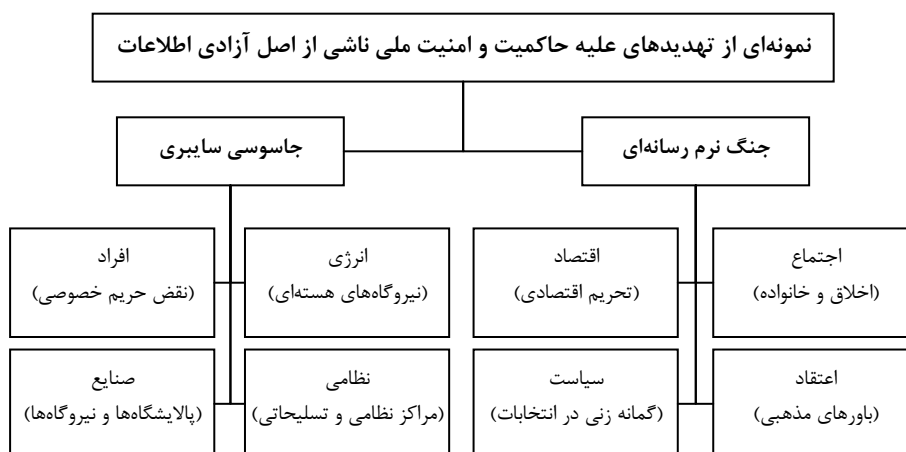
به‌همین منظور، نه‌تنها اعلامیه جهانی حقوق بشر بلکه دیگر اسناد بین‌المللی مانند ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۲۷ منشور آفریقایی حقوق بشر محدودیت‌هایی را به‌منظور حفظ نظم و امنیت ملی کشورها، برای اصل آزادی اطلاعات بیان داشته‌اند. اما اینکه به‌منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر اعمال این محدودیت‌ها تا چه حدی مجاز است، حائز اهمیت می‌باشد؛ چراکه دولت‌ها به‌صورت خودسرانه حق نقض آزادی‌های بشری را خارج از ضوابط قانونی ندارند، بلکه با رعایت سایر شرایط صرفاً امکان محدودساختن موارد برشمرده در اسناد بین‌المللی مانند نظم و امنیت را خواهند داشت (فرهادی الاشتی و جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۶: ۷۶).

همین امر تبدیل به مستمسکی شده است تا برخی کشورهای مدعی حقوق بشر به خود این اجازه را بدهند تا به بهانه آزادی اطلاعات و بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌های حاکمیتی، هرگونه اطلاعاتی را به داخل مرزهای دیگر کشورها مخابره و منتقل نمایند. از نظر نویسنده، تقریباً کشوری وجود ندارد که امنیت خود را در قبال حقوق بشر به‌مخاطره بیندازد و فارغ از درست یا غلط بودن این موضوع، باید پذیرفت که تأمین امنیت از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، حاکمان و دولت‌مردان از هیچ تلاشی برای حفظ و بقای کشور خود فروگذاری نخواهند کرد. یکی از این راه‌ها، ضمن کنترل و نظارت درست بر ابزارهای رسانه‌ای، جلوگیری از انتقال اطلاعات معارض با نظم و امنیت ملی است.

مهم‌ترین ابزار برای دسترسی اطلاعات در سراسر جهان، رسانه‌های جمعی می‌باشد. امروزه نقش رسانه‌ها نقشی فراتر از اطلاع‌رسانی است. با تحولات شکل‌گرفته در عرصه ارتباطات، رسانه‌ها تبدیل به ابزارهای نوینی برای ایجاد، کاهش یا افزایش بحران و گاه ابزاری برای

جنگ آوری شده‌اند که مکمل نیروی نظامی و تهدیدکننده امنیت در سطوح مختلف فردی، ملی، بین‌المللی و جهانی می‌باشند (رستگارپناه و سلطانی فر، ۱۳۹۱: ۸۴).

یکی از بسترهای مناسب رسانه‌ای که در دهه اخیر کاربرد بسیاری بین افراد پیدا کرده است و امکان انتقال حجم نسبتاً زیاد اطلاعات را در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم می‌کند، فضای مجازی یا سایبری است. انسان نیز که به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین عناصر در فضای مجازی محسوب می‌شود، به فضای مجازی به‌مثابه کاربر، هویت بخشیده و در آن تولید محتوا می‌کند، نظر می‌دهد و جریان می‌سازد. به‌عنوان نمونه، در پی اتفاقاتی که در جریان اعتراضات سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ در جمهوری اسلامی ایران رخ داده است، اخبار و اطلاعات متعددی، معارض با نظم عمومی و امنیت ملی، و با هدف ضربه به نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران توسط کاربران در فضای مجازی تولید و تبادل شد که منجر به برهم‌خوردن نظم و امنیت داخلی شد. به‌همین دلیل است که هر دولتی به‌دنبال ثبات حاکمیت خود و استحکام پایه‌های قدرت کشورش است و هرگز اجازه نمی‌دهد تا مسائلی چون آزادی اطلاعات، تزلزل بر این پایه‌ها وارد نماید.



شکل ۴. تهدیدهای آزادی اطلاعات

الف. جاسوسی سایبری و امنیت ملی

جاسوسی در گذشته به عمل استفاده از افراد برای به دست آوردن اطلاعات درباره نقشه‌ها، فعالیت‌ها یا منابع رقیب یا دشمن تعبیر می‌شد، اما با تحولاتی که در ابزارهای جاسوسی پدید آمده است، صرفاً به به‌کارگیری افرادی تحت عنوان جاسوس، عمل جاسوسی نمی‌گویند؛ چراکه با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و گسترش استفاده از وسایل ارتباطی، امکان جاسوسی تسهیل و روش‌های آن متنوع شده است. برخی در تعریف جاسوسی، مخفیانه بودن عملیات را جزء ماهیت آن تلقی می‌کنند و جاسوسی را به جمع‌آوری یا انتقال اطلاعات از طریق ورود مخفیانه به مرزهای تحت کنترل و منحصربه‌فرد یک سازمان تعبیر می‌کنند (رحمدل، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

جمع‌آوری اطلاعات که معمولاً میان عامه مردم به‌عنوان جاسوسی شناخته می‌شود، بخش پایه‌ای و تعیین‌کننده پدیده جاسوسی را تشکیل می‌دهد و اولین دلیل شکل‌گیری فعالیت‌های جاسوسی در دوران ابتدایی آن نیز بوده است. اما امروزه به‌دلیل پیشرفت فناوری، مرزهای جغرافیایی درنوردیده شده و دیگر فاصله جغرافیایی مطرح نیست و برای اقدامات جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات مرزبندی چندانی وجود ندارد. درواقع، جاسوسی بخشی از یک تلاش سازمان‌یافته از سوی دولت‌ها یا شرکت‌هاست که علیه دشمنان و رقبای بالقوه و بالفعل صورت می‌گیرد و بسیاری از کشورها برای تأمین منافع خود و عقب‌نماندن از رقبای هم‌علیه دشمنان و هم‌علیه متحدان خود، اقدام به جاسوسی می‌نمایند، اما همواره سیاستی اتخاذ می‌کنند که هیچ نشانه‌ای از این اقدام در آن وجود ندارد؛ درحالی‌که تهدید بزرگی برای حکومت‌ها و امنیت ملی کشورها به‌شمار می‌آید. گاهی برخی از کشورهایی که در سطح بین‌المللی اقدام به جاسوسی می‌کنند، ممکن است برای تأمین منافع کشور دیگری دست به این عمل بزنند.

در حال باتوجه به انقلابی که در عرصه اطلاعات رخ داده است، برخلاف گذشته که جاسوسی عمدتاً از طریق افراد آموزش‌دیده صورت می‌پذیرفت، امروزه جاسوسی از طریق ابزارهای رسانه‌ای، رشد چشمگیری نموده است و باتوجه به گستره ارتباطات و اطلاعات، مسئله زمان و مکان که یکی از موانع اصلی در جاسوسی محسوب می‌گردید، دیگر همچون گذشته به‌عنوان مانع جدی تلقی نمی‌شود. از مهم‌ترین انواع جاسوسی که از طریق رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد و تبدیل به تهدید جدی علیه حاکمیت و امنیت ملی کشورها شده

است، جاسوسی سایبری است و از بارزترین ویژگی‌های فضای سایبری به‌عنوان ابزار برای جاسوسی، می‌توان به دسترسی آسان و فوری، سرعت بالا و هزینه پایین اشاره کرد. امروزه در اکثر نقاط امکان اتصال به اینترنت و فضای سایبری وجود دارد و باتوجه به سرعت بسیارخوب در جابه‌جایی حجم بالایی از اطلاعات، این عمل با صرف هزینه‌های بسیار اندک، امکان‌پذیر است. ویژگی‌های فوق در کنار گستردگی شبکه‌های اینترنتی باعث شده است که امکان کنترل و نظارت برای یک دولت واحد امکان‌پذیر نباشد (پالیزبان، ۱۳۹۴: ۶۴۰).

جاسوسی سایبری یکی از چندین نوع جاسوسی است که علیه کشورها شکل می‌پذیرد. این نوع جاسوسی از طریق وسایل ارتباط جمعی و منتقل‌کننده اطلاعات با هدف برملا کردن اطلاعات مهم حکومتی و یا دزدی اطلاعات مهم بخش‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره صورت می‌گیرد و هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که از هجمه حملات سایبری دشمن در امان است. برای مثال، کشور جمهوری اسلامی ایران به‌دفعات مورد حملات نرم‌افزارهای جاسوسی و نفوذ آن به سایت‌های هسته‌ای و نیروگاه‌های انرژی خود قرار گرفته است.

در عصر حاضر، تمامی بخش‌های یک کشور از جمله شرکت‌ها، کارخانجات، پالایشگاه‌ها، دستگاه‌های دولتی و غیردولتی ناگزیر از تکیه به اینترنت هستند، به‌نحوی که بدون آن، فعالیتشان دچار اختلال می‌شود. وسایل و ابزار انتقال اطلاعات مربوط به این بخش‌ها هدف خوبی برای جاسوسی هستند (پالیزبان، ۱۳۹۴: ۶۴۸).

از طریق آن امکان نفوذ در تمامی سطوح یک کشور امکان‌پذیر است. این اقدام که توأم با اخذ اطلاعات محرمانه است، می‌تواند در نوع خود موجب اختلال در نظام حاکمیتی و امنیتی آن کشور شود. حتی بسیاری از کارشناسان نظامی جاسوسی‌های سایبری کشف‌شده را در کنار حملات خرابکارانه سایبری قرار داده و آن را اقدام به شروع جنگ قلمداد می‌نمایند که با در نظر گرفتن تمامیت ارضی دولت‌ها این موضوع به‌معنای زیرپانهادن امنیت و استقلال کشورهاست. حتی می‌توان جاسوسی را یکی از مصادیق بارز جرائم علیه امنیت ملی دانست که نوعی جرم سازمان‌یافته و فراملی تلقی می‌شود. این جرم در پی انتقال اطلاعات مهم و ضروری یک کشور در سطوح مختلف، خصوصاً سطوح محرمانه و با اهمیت بالا در زمینه‌های مختلف نظامی، سیاسی و امنیتی رخ می‌دهد که از طرق مختلف در اختیار افراد یا سرویس‌های دیگر

قرار می‌گیرند (پیری زمانه و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۰). همان‌طور که پایگاه اطلاع‌رسانی «ویکی لیکس» از سال ۲۰۰۹ به بعد در پی انتشار اطلاعات طبقه‌بندی‌شده برخی از کشورها و در رأس آنها امریکا مورد اعتراض شدید قرار گرفت تا آنجا که امریکا این اقدام را مداخله در امور داخلی خود قلمداد نموده و انتشار این اسناد را در تناقض با امنیت ملی خود دید. «پایگاه ویکی لیکس» با استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های اینترنت و دادن اطمینان گمنامی به کاربران خود توانست به انبوهی از اطلاعات طبقه‌بندی‌شده دولت‌ها دسترسی پیدا کند و با افشای آنها جلوه‌ جدیدی از تقابل میان حق دسترسی به اطلاعات و امنیت ملی را به‌نمایش بگذارد (کدخدایی و حاجی‌ملا، ۱۳۹۳: ۵۵۴).

به همین دلیل است که بارها مشاهده شده رهبران کشورها و همچنین افراد مختلف از جاسوسی سایبری به‌عنوان تهدید بزرگی علیه منافع و امنیتشان صحبت می‌کنند (صدیق، ۱۳۹۵: ۷۷) و دولت‌ها تلاش می‌نمایند با بالا بردن سطح امنیت سایبری، خود را از گزند جاسوسی‌های سایبری مصون بدارند. از دیگر موارد به‌کارگیری رسانه علیه حاکمیت و امنیت ملی کشورها، موضوع جنگ نرم است.

ب. جنگ نرم رسانه‌ای علیه حاکمیت

مفهوم «جنگ نرم»^۱ از جمله مفاهیم توسعه‌نیافته در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی است که به شکل‌های مختلفی تعریف می‌شود. با بررسی مجموعه ادبیات مربوط به جنگ و تهدید نرم، دست‌کم چهار برداشت به‌دست می‌آید: اول، تهدید نرم به‌عنوان نوعی عملیات روانی دشمن علیه افکار عمومی خودی است. با این دیدگاه، تهدید نرم مساوی مجموعه تهاجمات روانی و تبلیغاتی یک کشور علیه کشور دیگری است. دوم، تهدید نرم به‌عنوان نوعی اقدامات پنهان و توطئه‌آمیز دستگاه‌های امنیتی حریف علیه جامعه خودی به‌شمار می‌آید.

با این دیدگاه، تهدید نرم مجموعه عملیات پنهانی تلقی می‌شود که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی به‌اجرا درمی‌آید. سوم، تهدید نرم به‌عنوان نوعی هدف‌گرفتن بنیان‌های ذهنی و اعتقادی نظام سیاسی خودی از سوی محافل روشنفکری یا سایر مراجع فکری و مؤسسات فرهنگی است. چهارم، تهدید نرم به‌عنوان نوعی ناآرامی‌های اجتماعی گسترده با هدف براندازی نظام سیاسی خودی به‌شمار می‌آید (حسینی، ۱۳۹۰: ۸۳).

1. Saft War

آنچه که در موارد فوق حائز اهمیت است، وجود نوعی تهدید است که مواضع اساسی یک کشور را مورد هدف قرار می‌دهد و با آسیب بر بنیان‌های جامعه تلاش بر دگرگون‌سازی آن می‌نماید. لذا جنگ نرم به‌عنوان یک مصداق بارز از تهدید امنیت ملی، یک راهکار و رهیافت برای مقابله با کشورهای مخالف و معارض است که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای رسیدن به اهداف کشورهای مجری جنگ نرم به‌کار می‌رود. بنابراین، در یک تعریف مشخص می‌توان گفت: جنگ نرم عبارت از مجموعه اقدامات تعمدی و طرح‌ریزی شده با بهره‌گیری از قدرت نرم است که از طریق دگرگونی هویت فرهنگی از جمله تغییر باورها و عقاید و ناکارآمدسازی الگوی سیاسی نظام مورد هدف به فروپاشی از درون و تغییر نظام سیاسی منجر می‌شود (نائینی، ۱۳۸۷: ۳۲).

جنگ نرم زمانی شکل می‌گیرد که افراد مورد هدف اساساً احساس و ادراک تهدید نداشته باشند، بلکه آن را مطلوب و تسلیم‌شدن در برابر آن را اولویت خود بدانند. این اولویت‌سازی می‌تواند با آموزش و یا فرهنگ‌سازی انجام شود. این‌گونه تهدید نرم که نقطه مقابل قدرت شرطی است، با تغییر اعتقادات افراد و ملت‌ها، اساسی‌ترین کارکردها را در حکومت، اقتصاد و سیاست کشورها ایفا می‌کند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۳، ۵۷).

به‌همین دلیل است که برخی صاحب‌نظران جنگ نرم را تلاش ازپیش‌برنامه‌ریزی شده با استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف برای تأثیرگذاری بر حکومت‌ها و مردم آنها و تغییر نگرش‌ها، الگوها و رفتارها می‌دانند. «جوزف نای»^۱ در تحلیل خود پیرامون قدرت نرم کشور آمریکا معتقد است که استفاده از تبلیغات، سازوکارهای رسانه‌ای و روش‌های نفوذ در کنار بهره‌گیری از سازوکارهای فرهنگی و دیپلماتیک، بهتر از قدرت نظامی و تحریم‌های اقتصادی است (نائینی، ۱۳۹۱: ۵۵).

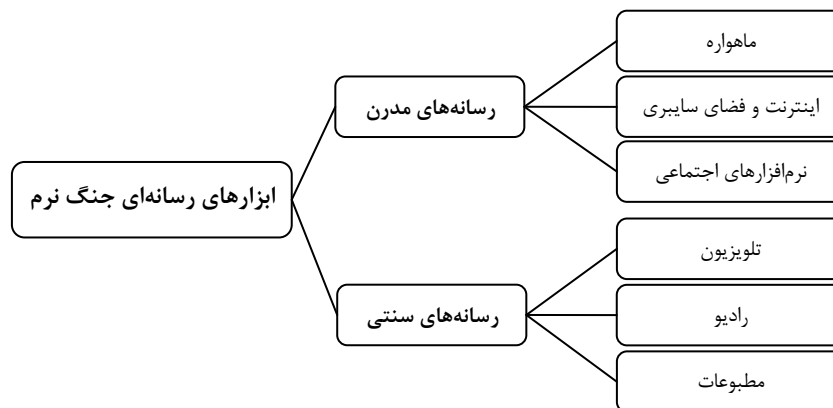
ازهمین منظر، می‌توان از رسانه‌های انتقال اطلاعات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم یاد کرد.

نقش رسانه‌ها در جنگ نرم تا آنجاست که برخی جنگ نرم را «جنگ رسانه‌ای» نیز می‌نامند. جنگ رسانه‌ای جزء لاینفک سیاست ابرقدرت‌ها بوده است و آنچه که امروز کیفیت

1. Joseph Nye

کمیت جنگ‌ها را عوض کرده، توسعه زیرساخت‌های رسانه‌ای و فناوری در یک قرن اخیر است. از جنگ جهانی دوم به بعد، جنگ رسانه‌ای به یک رشته علمی و راهبردی تبدیل شد که ذات و سرشت اصلی قدرت نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورهایی مثل امریکا را تشکیل می‌دهد و با این رویکرد که بر افکار و عقاید مردم کشورهای موردنظر تسلط یافته و مطابق میل خود آنها را تغییر دهند و بتوانند بر حکومت آن کشورها چیره شوند و یا آن را تغییر دهند، به‌کارگیری می‌شود.

جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به‌صورت غیررسمی ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره می‌برد. با اندک توجهی در نقش و کارکرد اصلی رسانه‌ها می‌توان به این مهم پی برد که در واقع، رسانه‌ها مکمل سیاست و قدرت هستند، به‌نحوی که در جایی که سیاست اعمال می‌شود و تأثیر می‌گذارد، رسانه‌ای هم از آن حمایت و پشتیبانی می‌کند و در جایی که قدرتی اعمال و مؤثر واقع می‌شود این رسانه‌ها هستند که از آن قدرت پشتیبانی می‌کنند. همان‌طور که در بخش‌های نخست این مقاله هم اشاره شده است، رسانه‌های قوی و اثرگذار عمده‌تاً در دست قدرت‌های بزرگ و مطرح در سطح جهان هستند که با به‌کارگیری آنها به اهداف خود در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌رسند.



شکل ۵. ابزارهای رسانه‌ای جنگ نرم

پس از گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برخی از کشورهای بین‌المللی به این نتیجه رسیدند که اقدامات نظامی و سخت‌افزاری علیه جمهوری اسلامی ایران نتیجه نخواهد داد، لذا از راه جنگ نرم وارد میدان شدند. با بررسی برخی از اقدامات و هدایت‌های رسانه‌ای از سوی کشورهای بدخواه، معلوم می‌شود که سال‌ها قبل جنگ رسانه‌ای یا همان جنگ نرم علیه کشور جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است (رستمی و طباحی ممقانی، ۱۳۹۰: ۶۳ - ۶۲).

همچنین در عرصه بین‌المللی و در دیگر کشورها نیز شاهد رخدادهایی از این دست تحت عنوان انقلاب‌های رنگی یا مخملی^۱ هستیم که برخی قدرت‌ها با استفاده از قدرت نرم خصوصاً ابزارهای رسانه‌ای سعی می‌کنند تا نظام سیاسی کشور مورد نظر را به اضمحلال کشیده و آن را تغییر دهند. انقلاب مخملی شیوه‌ای از براندازی است که نوعی دگرگونی و جابه‌جایی قدرت همراه با مبارزه منفی و نافرمانی مدنی را در کشورهای هدف شامل می‌شود. به‌عنوان مثال، در برخی کشورها، قدرت‌های معاند با تحریک مردم و ایجاد آشوب و شایعه‌پراکنی و القای شائبه تقلب در انتخابات و ابطال آن از طریق ابزارهای انتقال اطلاعات، به جریان‌سازی‌های کاذب مبادرت می‌ورزند و با تأثیرگذاری بر افکار مردم به رفتار آنها علیه نظام سیاسی موجود جهت می‌دهند و اهداف خود را تحقق می‌بخشند که در نهایت انقلاب رنگی یا مخملی به‌وقوع می‌پیوندد و حاکمیت و امنیت ملی کشورها به‌خطر می‌افتد و در مواردی به تغییر حاکمیت منجر می‌شود.

نمونه‌هایی از مهم‌ترین انقلاب‌های نرم رخ داده طی سال‌های اخیر در جدول شماره ۲ ذکر شده است. از جمله مسائل مهمی که تقریباً در تمامی «انقلاب‌های رنگی یا مخملی» وجود دارد، این است که اولاً؛ تلاش می‌شود کم‌تر از ابزارهای خشونت‌آمیز استفاده گردد. هرچند در مواردی شاهد استفاده از روش‌های خشونت‌بار نیز هستیم. دوم تمامی تحركات با شعارهای دموکراسی‌خواهی همراه است. سوم دانشجویان و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش پررنگی دارند. چهارم جرقه وقوع انقلاب‌ها به‌بانه بروز ناکارآمدی از سوی دولت‌ها مانند تقلب در انتخابات است. پنجم از حمایت مستقیم و غیرمستقیم امریکا و کشورهای اروپای غربی برخوردار است.

1. Velvet Revolution

باید به نقش مهم و مؤثر رسانه‌های نوین ارتباط جمعی که ماحصل فعالیت آنها انتقال حجم گسترده‌ای از اطلاعات است، در کنار این ویژگی‌ها توجه داشت و اینکه رسانه‌ها نقش حلقه واسط و متصل‌کننده آن ویژگی‌ها را ایفا می‌نمایند (گرانمایه‌پور، ۱۳۹۰: ۵۱).

بنابراین، وقتی صحبت از آزادی اطلاعات به میان می‌آید، فرصت مناسبی برای کشورهای متخاصم فراهم می‌آید تا در بستر آن، با به‌کارگیری ابزارهای در اختیار خود، اقدام به انتقال اطلاعات هدفمند نموده و یک جریان نرمی را هدایت نمایند که نتیجه آن جریان‌سازی، چیزی جز تهدید حاکمیت و امنیت ملی کشورها نخواهد بود.

جدول ۲. نمونه‌ای از انقلاب‌های نرم یا مخملی

تاریخ (میلادی)	کشور	رنگ	واقعه
۱۷ نوامبر ۱۹۸۹	چکسلواکی	-	تغییر حکومت
۵ اکتبر ۲۰۰۰	صربستان	-	استعفای رئیس‌جمهور وقت
۲۳ نوامبر ۲۰۰۳	گرجستان	گل رز (سرخ)	کناره‌گیری رئیس‌جمهور از قدرت
۲۲ نوامبر ۲۰۰۴	اوکراین	انقلاب نارنجی	ملغی شدن انتخابات پارلمانی
۲۵ فوریه ۲۰۰۵	قرقیزستان	گل لاله	سرنگونی دولت وقت
۱۵ ژوئن ۲۰۰۹	جمهوری اسلامی ایران	جنبش (فتنه) سبز	ناموفق

تجزیه و تحلیل

باتوجه به فرایند شکل‌گیری قواعد بین‌المللی و الزاماتی که برای حسن اجرای آنها در نظر گرفته می‌شود، نقض تعهدات ناشی از معاهدات و کنوانسیون‌ها با جریمه و محکومیت همراه است. با عنایت به سوابق قوانین وضع شده در زمینه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن و بررسی محدودیت‌های پیش‌بینی شده بروز نمونه‌هایی از انقلاب‌ها و اغتشاشات داخلی کشورها با به‌کارگیری ابزارها و رسانه‌های انتقال اطلاعات علی‌الخصوص رسانه‌های نوین، موجب برهم خوردن نظم عمومی، حاکمیت و امنیت ملی کشورها در پرتو آزادی اطلاعات شده است. به‌همین منظور، ابتدا بر مبنای داده‌های موجود به توصیف سه موضوع مهم در مقاله حاضر یعنی حاکمیت، امنیت و آزادی اطلاعات پرداخته می‌شود و سپس تأثیر آزادی اطلاعات و انتقال آن از طریق رسانه‌های جمعی بر حاکمیت و امنیت ملی کشورها تحلیل می‌شود.

۱. حاکمیت همانند مالکیت، متضمن مجموعه‌ای از تعهدات و حقوق است که همراه آن، محدودیت‌هایی را بر صاحب آن بار می‌نماید. همان‌طور که افراد در حق مالکیت خود نمی‌توانند هرطور که بخواهند از مال خود استفاده و آن را مورد بهره‌برداری قرار دهند، حاکمان نیز نمی‌توانند هرطور که می‌خواهند حاکمیت را اعمال و از آن بهره ببرند؛ محدودیت‌هایی که غالباً ناشی از مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال مردم جامعه و کشورهای دیگر جهان است برای صاحبان قدرت و حاکمیت تکالیفی را ایجاب می‌کنند؛ اما موضوع قابل تأمل در خصوص تکالیف و محدودیت‌ها این است که دقیقاً چه مرجعی صلاحیت تشخیص عدم انجام تکالیف از سوی کشورها و حدود آن را برعهده دارد (لاینز و عارف‌نیا، ۱۳۷۳: ۳۹).

تا در قبال آن کشوری را مورد مؤاخذه و تنبیه قرار دهد و یا نسبت به آن اقدامی مداخله‌جویانه ترتیب دهد. مصداق بارزی که می‌توان برای فهم بهتر این موضوع بیان داشت تکلیف حاکمیت برای آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن است که به اقتضای محدودیت‌های بارشده بر حاکمیت به عدم جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات تأکید دارد. تشخیص اینکه آیا کشوری به این تکلیف خود در قبال مردم جامعه عمل نموده یا خیر و یا اینکه به فرض عدم عمل به تکلیف چگونه و از چه طریقی باید حاکمیت را محدود و مجبور و یا مجازات نمود، دارای اهمیت است. همان‌طور که در کنوانسیون ۱۹۳۳ «مونت ویدو» راجع به حقوق و تکالیف دولت‌ها آمده است، سه ویژگی برای یک دولت برشمرده شده است: ۱. جمعیت دائم؛ ۲. سرزمین معین؛ ۳. حکومتی که دارای اهلیت برای برقراری رابطه با دیگر کشورها باشد و در صورت جمع این ویژگی‌ها و مورد شناسایی قرارگرفتن از سوی دیگر کشورها آن دولت به‌عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود (قنبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

این سه ویژگی به‌معنای آن است که امنیت و عدم مداخله در امور داخلی از حقوق کشورها محسوب شده و تعرض به آن امکان‌پذیر نیست.

۲. در بحث امنیت اگر دو بعد داخلی و خارجی یک کشور را در نظر بگیریم، باید گفت: هیچ کشوری نمی‌تواند امنیت را به‌طور کامل برای خود فراهم کند. در بعد داخلی به‌دلیل تأثیرات مستقیمی که وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر امنیت دارند، هیچگاه امنیت

به طور مطلق تأمین نمی‌شود؛ چراکه تا وقتی ثبات در وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... رخ ندهد، امنیت به صورت کامل تأمین نمی‌شود. در بعد بین‌المللی هم با در نظر گرفتن این نکته که روابط کشورها در جامعه بین‌المللی بر پایه منافع استوار است و کشورها به دلیل توان مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی دارای قدرت‌های یکسان نیستند، هر جاکه کشوری منافع خود را در خطر ببیند و یا دنبال منفعت بیشتری باشد، طبیعتاً از قدرت خود برای تحقق اهدافش بهره جسته و در این بین، امنیت سایر کشورهای ضعیف‌تر که دارای قدرت مساوی با کشورهای مقابل نیستند، به خطر می‌افتد.

۳. بر اساس اسناد بین‌المللی، اطلاعات را می‌توان به دو دسته کلی عموماً در دسترس و نگهداری شده توسط نهادهای حکومتی تقسیم نمود (کدخدایی و حاجی ملا، ۱۳۹۳: ۵۳۸). اطلاعات گروه اول می‌تواند در دسترس تمام افراد جامعه قرار گیرد ولی دسترسی به اطلاعات گروه دوم، فقط برای فرد یا افرادی مقدور است که صلاحیت دسترسی به آن اطلاعات را دارا باشند (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۳: ۶۴).

این دسته‌بندی را در واقع می‌توان تمایزی برای اطلاعات سری و اطلاعات عادی بیان نمود که دسترسی بر مبنای کاربر تعریف شده است. برای درک بیشتر مفهوم آزادی اطلاعات، باید مفاهیم دیگری را که با این عنوان نزدیکی زیادی دارند، شناخت. آزادی بیان که به عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشر است، از جمله مهم‌ترین این مفاهیم است؛ چراکه بهترین راهی که اطلاعات از طریق آن قابلیت جابه‌جایی و انتقال دارد، افراد بشر هستند و در دسترس‌ترین ابزار بشر، بیان اوست که از طریق آن می‌تواند حجمی از اطلاعات را منتقل نماید. به نظر برخی از طرفداران دموکراسی، آزادی اطلاعات از مؤلفه‌های مهم دموکراسی در کشورهای پیشرفته است که در وهله اول، با حمایت از آزادی مطبوعات در راستای ارتقای سطح آگاهی مردم و در وهله دوم با شفاف‌سازی از عملکرد حکومت و دولت از طریق دسترسی عمومی به اسناد و مدارک، در این راستا گام برمی‌دارد (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۷ - ۱۳۸).

سیر تاریخی انعقاد اسناد بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سال ۱۹۴۶ با انعقاد قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل تا اعلامیه اسلامی حقوق بشر سال ۱۹۹۰ نشانگر آن است که در بازه زمانی حدوداً ۴۴ سال که معاهدات مختلف دیگری از جمله کنوانسیون

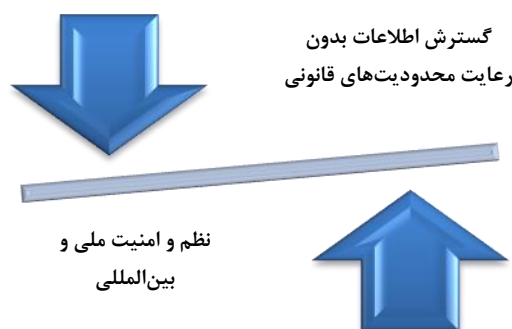
امریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وضع شده است، دغدغه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن وجود داشته و ملل مختلف بدان وفاق نظر داشته‌اند. از این مهم‌تر اینکه در تمام این اسناد، مسئله آزادی اطلاعات با محدودیت‌هایی همراه است که کم‌وبیش با بررسی سوابق رخدادهای کشورهای مختلف از جمله اعتراضات ۱۹۸۹ چکسلواکی، ۲۰۰۰ صربستان، ۲۰۰۳ گرجستان، ۲۰۰۴ اوکراین، ۲۰۰۵ قرقیزستان و ۲۰۰۹ جمهوری اسلامی ایران و غائله‌های بعد از آن طی سال‌های اخیر، نقش رسانه‌های جمعی که در رأس آنها فضای مجازی است، در ایجاد و مدیریت اعتراضات و اغتشاشات به بهانه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن کاملاً واضح و روشن است.

از آنجاکه بشر از ابتدای خلقت خود تاکنون دنبال برقراری ارتباط و انتقال تجربیات و داشته‌های خود است، هر روز شاهد ابداع و اختراع نسل‌های جدیدی از ابزارهای انتقال اطلاعات هستیم. در قرن اخیر و در راستای توسعه ابزار انتقال اطلاعات رسانه‌های قدیم از جمله تلویزیون و رادیو خود را در کنار رسانه‌های جدیدی مانند ماهواره و اینترنت می‌بینند. این رسانه‌های نوین از حیث سرعت و حجم انتقال اطلاعات دارای ظرفیت‌های بسیار بالایی هستند که کار را برای کاربران آسان نموده و امکان استفاده برای انتقال اطلاعات را تسهیل نموده‌اند. به‌همین منظور است که با بررسی وقایع و رویدادهای قرن بیستم ردپای رسانه‌ها علی‌الخصوص رسانه‌های نوین به شکل فعال و اثرگذار در قالب تهدیداتی از جمله جنگ نرم و جاسوسی دیده می‌شود.

به‌عنوان نمونه، در غائله‌های اخیر در کشور جمهوری اسلامی ایران شاهد به‌کارگیری گسترده فضای مجازی و ابزارهای مرتبط با آن هستیم که به شکل سازمان‌یافته‌ای برای هدایت افکار عمومی و جریان‌سازی علیه حاکمیت به‌کار گرفته شدند و در نهایت باعث اختلال در نظم و امنیت ملی کشور شدند.

بنابراین، با به‌کارگیری ابزارهای پیشرفته در اختیار کشورهای قدرتمند در جهت افزایش و گسترش دسترسی به اطلاعات بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های امنیتی، اخلاقی، حریم

خصوصی، نظم عمومی، رضایت قبلی کشورها و غیره، نه تنها موجب تهدید نظم و امنیت داخلی کشورها می‌شود، بلکه نظم و امنیت بین‌المللی را نیز تهدید می‌کند.



شکل ۶. رابطه آزادی اطلاعات و نظم و امنیت

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر که رقابت و تسلط در دستور کار بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای پیشرفته و قدرتمند قرار دارد، هریک سعی می‌کنند با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب‌تری پیروز این رقابت باشند. اما برخلاف گذشته که عرصه جدال کشورها با جنگ نظامی و تسلیحاتی همراه بود، امروزه با توجه به پیشرفت نسبی توان نظامی کشورها و همچنین وضعیت اقتصادی جهان، به‌کارگیری سلاح‌های سخت و جنگ نظامی که توأم با خسارات فراوان است، از توجیه کافی برخوردار نیست. به‌همین دلیل، آن دسته از دولت‌هایی که به فکر تسلط بر دیگر دولت‌ها هستند، ابزار و راهکارهای نوینی را جایگزین جنگ‌های گذشته نموده‌اند. یکی از این راه‌ها برای رسیدن به اهداف سلطه‌جویانه کشورهای قدرتمند، به‌کارگیری وسایل ارتباط‌جمعی یا همان رسانه است که از طریق آنها می‌تواند هرگونه خبر و اطلاعات همسو با اهداف خود را تولید و مخابره نمایند. در طرف مقابل نیز کشورهای مورد تهاجم، از راهکارهای تدافعی و تقابلی متناسب با ابزارهای نوین دشمن بهره‌جسته‌اند.

در این بین اصل حقوق بشری تحت عنوان "آزادی اطلاعات" با هدف ارتقای سطح آگاهی و اطلاع افراد بشر وجود دارد که از یک سو مورد سوءاستفاده برخی کشورهای قدرتمند قرار گرفته و از آن به عنوان راهکاری برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کنند و از سوی دیگر، کشورهای هدف برای جلوگیری از تبعات و آثار منفی این اقدام، سعی در محدود کردن این اصل حقوق بشری می‌نمایند. اگر کشورها را به دو دسته تقسیم کنیم، یک گروه کشورهایی هستند که با توجه به سطح دسترسی به وسایل ارتباط جمعی در پی سوءاستفاده از اصول ناظر بر آزادی اطلاعات، امنیت ملی دیگر جوامع را هدف قرار داده و آن را به مخاطره می‌اندازند؛ گروه دیگر کشورهایی هستند که حاکمیت و امنیت خود را در برابر کشورهای متخاصم دارای قدرت رسانه‌ای در خطر دیده و با وضع محدودیت بر آزادی اطلاعات با این اصل بین‌المللی تقابل می‌نمایند.

بنابراین، باید گفت کشورهای گروه اول، در پی سوءاستفاده از اصول ناظر بر آزادی اطلاعات و باتکیه بر فناوری‌های پیشرفته انتقال اطلاعات و با به‌کارگیری رسانه‌ها به دنبال تحقق منافع خود در کشورهای عمدتاً کم‌تر توسعه‌یافته یا به اصطلاح، جهان سوم هستند. این دسته از کشورها از این طریق به دنبال انتشار اخبار و اطلاعات با هدف تأثیرگذاری بر افکار و عقاید مردم دیگر جوامع، در صدد تسخیر و یا تغییر حاکمیت سیاسی کشور هدف هستند و کشورهای گروه دوم، از آزادی اطلاعات و سوءاستفاده‌ای که از این جریان صورت می‌گیرد، متضرر شده و معتقدند صلاحیت قانون‌گذاری و نظارت بر مسائل مهم داخلی از جمله امنیت ملی برعهده دولت و حاکمیت خودشان است. لذا در خصوص مسئله دارای اهمیتی مانند امنیت ملی، اجازه تصمیم‌گیری و یا وضع مقررات توسط دیگر کشورها و نهادها را نمی‌دهند و موضوعات مربوط به حاکمیت کشورشان را همان‌طور که خود ضروری بدانند، مدیریت می‌نمایند.

به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای توسط کشورهای گروه اول، از دو طریق می‌تواند به حاکمیت کشورهای گروه دوم آسیب وارد نماید و امنیت ملی آنها را به مخاطره بیندازد. این دو طریق عبارتند از: ۱. جنگ نرم رسانه‌ای و ۲. جاسوسی سایبری. هر دو روش با توسل به ابزارهای رسانه‌ای مانند ماهواره، اینترنت، گوشی تلفن هوشمند و... بر پایه جمع‌آوری و انتقال

اطلاعات تحقق پیدا می‌نمایند. طی سال‌های اخیر در موارد متعددی شاهد آن هستیم که کشورهای گروه اول با برنامه‌ریزی‌های دقیق و استفاده از رسانه‌های جمعی، حاکمیت و امنیت دیگر کشورها را هدف قرار داده و با تضعیف ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی مردم آن جامعه، پایه‌های نظام حاکم را سست نموده و یا آن را تغییر داده‌اند. درمقابل، برخی کشورهای گروه دوم که مورد تهاجمات ناشی از به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای قرار گرفته و با اتفاقاتی مانند اغتشاش، جنگ داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و موارد دیگر، مواجه شده‌اند، برای حفظ امنیت و حاکمیت خود تلاش کرده و با وضع قوانین و اتخاذ تدابیر حاکمیتی مانع برهم‌خوردگی نظم عمومی و نظام حاکمیتی خود شده‌اند. یکی از اقدامات دفاعی درمقابل آماج تهاجمات سایبری و جنگ نرم استفاده از فناوری «فیلترینگ»^۱ است که کشورهای مورد هدف را ناچار به استفاده از آن نموده تا از این طریق بتوانند مصونیت جامعه خود را تأمین نمایند.

در پاسخ به سؤال مطرح‌شده در این تحقیق باید گفت: دسترسی برخی کشورهای مدعی نقش کدخدایی و پلیس تأمین‌کننده نظم و امنیت در جهان به مصادر و مراکز رسانه‌ای و منابع اطلاعاتی موجب شده است، رابطه‌ای معکوس بین اصل آزادی اطلاعات با حاکمیت و امنیت ملی برقرار شود. به این معنا که گسترش سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ از جریان آزاد اطلاعات از طریق اقداماتی چون جاسوسی سایبری و جنگ نرم در کشورهای دیگر منجر شده است که کشورهای مورد هدف برای تحقق امنیت ملی و حفظ حاکمیتشان این اصل حقوق بشری را محدود کرده و دسترسی به اطلاعات را کاهش دهند. این بدان معناست که هرچه سوءاستفاده از اصل آزادی اطلاعات در کشورهای پیشرفته بیشتر شود، دسترسی به اطلاعات و جریان آن در کشورهای مورد هدف کم‌تر می‌شود. پس، آزادی اطلاعات به سبک برخی کشورهای قدرتمند غربی نه تنها تأمین‌کننده حقوق بشر نبوده است، بلکه هم تضییع‌کننده حقوق بشر و هم ناقض حقوق کشورها می‌باشد.

1. Filtering

منابع

فارسی

۱. اجاق، سیده‌زهره و اجاق، سیده‌فاطمه (۱۳۹۴)، محدودیت‌های آزادی مطبوعات؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مجله جهانی رسانه، سال پنجم، ش ۱: ۲۰ تا ۳۷.
۲. اسلامی، رضا و عصاره، عبدالله (۱۳۹۱)، حق دسترسی به اطلاعات در اینترنت؛ ابزار تقویت مشارکت شهروندی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۱۵۱: ۲۳۵ تا ۲۸۸.
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات، فصلنامه نامه مفید، ش ۶۱: ۱۳۷ تا ۱۵۸.
۴. بهاور، شهلا (۱۳۸۸)، انتقال اطلاعات به کشورهای جهان سوم، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ش ۲: ۱ تا ۱۰.
۵. پالیزبان، محسن (۱۳۹۴)، بررسی رابطه اینترنت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، ش ۳: ۶۳۵ تا ۶۵۴.
۶. پیری‌زمانه، مسلم؛ پیری‌زمانه، داریوش؛ قدمی، کاوه و بازگلی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، جاسوسی رایانه‌ای ابزاری در حوزه جنگ‌نرم (گونه‌شناسی، موانع حاکم بر تحقیقات و قوانین مترتب بر جاسوسی رایانه‌ای)، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، ش ۱۵: ۱۳۶ تا ۱۵۸.
۷. حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۵)، از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی (نگاهی دوباره به نسبت عدالت و امنیت در حوزه فقه و امنیت ملی)، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۳۳: ۶۳ تا ۸۳.
۸. حسینی، حسین؛ مقدم‌فر، حمیدرضا و قنبرپور، مصطفی (۱۳۹۳)، واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۲۴: ۵۳ تا ۷۷.
۹. حسینی، حسین (۱۳۹۰)، ارتباط اقناعی از آموزه‌های عملی تا یافته‌های علمی، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین(ع).
۱۰. حری، عباسی (۱۳۶۹)، اطلاعات چیست؟، مجله دانشمندان، ویژه نامه اطلاعات، شهریور: ۸۹ - ۸۸.

۱۱. خلیل‌پور رکن‌آبادی، علی و نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۱)، تهدیدات سایبری و تأثیرات آن بر امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲: ۱۶۷ تا ۱۹۶.
۱۲. رحمدل، منصور (۱۳۹۴)، جاسوسی و خیانت به کشور، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌المللی، ش ۲۸: ۱۶۷ تا ۱۹۹.
۱۳. رستگارپناه، حسین (۱۳۹۱)، راهبردهای رسانه‌ای امنیت پایدار، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۱۵: ۷۵ تا ۱۰۰.
۱۴. رستمی، فرزاد و طباحی ممقانی جواد (۱۳۹۰)، آینده‌پژوهی فضای رسانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۱: ۵۷ تا ۸۲.
۱۵. روحانی، حسن (۱۳۸۷)، رسانه‌های گروهی و امنیت ملی، فصلنامه راهبرد، ش ۶: ۷ تا ۳۴.
۱۶. صدیق، میرابراهیم (۱۳۹۵)، انقلاب سایبری و تحول در پدیده جاسوسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱.
۱۷. صفایی، سیدحسین و جعفری، علی (۱۳۹۱)، رابطه آزادی اطلاعات با حریم خصوصی، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۳۳: ۷۱ تا ۹۲.
۱۸. عامری، هوشنگ (۱۳۷۷)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات آگاه.
۱۹. فرزین، فرشید (۱۳۸۱)، حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات (باتأکید بر پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۰. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
۲۱. قنبرزاده، علی (۱۳۹۰)، ابعاد بین‌المللی حقوق امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، ش ۷۵: ۱۰۳ تا ۱۲۱.
۲۲. کدخدایی، عباسعلی و حاجی‌ملا، هیوا (۱۳۹۳)، افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده از سوی پایگاه ویکی‌لیکس؛ تقابلی نوین میان حق دسترسی به اطلاعات و امنیت ملی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، سال پنجم، ش ۲: ۵۳۵ تا ۵۵۷.
۲۳. گرانمایه‌پور، علی (۱۳۹۰)، بررسی نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ش ۲: ۴۳ تا ۷۳.
۲۴. لاینز، جین ام و عارف‌نیا، خجسته (۱۳۷۳)، مداخله بین‌المللی، حاکمیت دولت و آینده جامعه بین‌الملل، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۸۵: ۴ تا ۱۲.
۲۵. ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. مستقیمی، بهرام (۱۳۸۵)، فناوری اطلاعات و حاکمیت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۱: ۲۲۱ تا ۲۵۱.
۲۷. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۶)، حقوق ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۲۸. مورگنتا، هانس جواکیم (۱۳۸۹)، سیاست میان‌ملت‌ها، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۹. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷)، معنا و مقام نرم در مطالعات امنیتی، مجموعه مقالات همایش قدرت نرم و بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۳۰. نائینی، علی محمد (۱۳۹۱)، اصول و قواعد جنگ نرم، تهران: نشر ساقی.
۳۱. نمک دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۲)، آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی، فصلنامه مجلس و پژوهش، ش ۴۲.
۳۲. نمک دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۳)، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و دموکراسی، فصلنامه رسانه، ش ۵۹.
۳۳. یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، امنیت نرم و چرایی اهمیت آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴۵.
۳۴. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۴)، تقابل امنیت فردی و ملی در جرایم علیه امنیت، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ش ۱۴.

انگلیسی

1. Bernhardt, Ronald; 2000, Encyclopedia of Public International Law, Vol. IV, Amsterdam, etc.: Elsevier.
2. Dyrberg, P. (1999). Current issues in the debate on public access to documents. European law review, 24, 157-170.
3. Garner, B. A. (2004). Black's law dictionary.
4. Gordon, K., Doellinger, D., Reader, S., & Sil, N. (2008). The Origins of Westphalian Sovereignty. Western Oregon University, 6.
5. Haftendorn H. The security puzzle: theory-building and discipline-building in international security. International Studies Quarterly. 1991;35(1):3-17.
6. Hudson, A. (2000). Offshorenness, Globalization and Sovereignty: A Postmodern Geo-Political Economy? Transactions of the Institute of British Geographers, 25(3), 269-283.
7. La Rue, F. (2011). Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression.
8. Lyons, G. M., & Mastanduno, M. (1993). International intervention, state sovereignty and the future of international society. International Social Science Journal, 45(4), 517-532.
9. Mendel, T. (2010). Restricting Freedom of Expression: Standards and Principles Background Paper for Meetings Hosted by the UN Special Rapporteur on Freedom of Opinion and Expression. Centre for Law and Democracy Paper.
10. Simons, D. (2006). Central Asian Pocketbook on Freedom of Expression: Article 19
11. Wilson III, E. J. (1998a). Globalization, information technology, and conflict in the second and third worlds. A Critical Review of Literature.
12. Wolfers, Arnold, Discord and collaboration (Baltimore: Johns Hopkins University Press. 1962)